



روح القدس برای چه داده شد؟

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۵۹-۱۲۱۷

روح القدس برای چه داده شد؟

ویلیام ماریون برانهام
جفرسونویل، ایندیانا
۵۹-۱۲۱۷

What Was The Holy Ghost Given For?

William Marrion Branham
Jeffersonville, Indiana
59-1217



www.bargozidegan.net

۱. می‌دانم که برادر نویل^۱ به دست‌گذاری ایمان دارند. دیشب تعدادی سوال به دستم رسیده است. فردا شب به این سوالات که شاید مربوط به پیغام شب گذشته باشد، خواهم پرداخت. چون امشب فرصت نمی‌کنیم به آنها بپردازیم. اگر کسی در باره‌ی هر یک از پیغام‌ها سوالی دارد، آن را همان شب بنویسد؛ تا من بتوانم شب بعد آنها را دریافت کنم.

۲. حال، تمایل دارم فردا افرادی را پیدا کنم. ترجیحاً از بین خادمین، اگر ممکن باشد. در غیر این صورت تعدادی از مردان و یا زنان خوب و قابل اطمینان را که بتوانیم در مواقع لزوم و نیاز با آنها تماس بگیریم...

فردا شب بعد از اتمام پیغام، برای تعمید روح و دریافت روح‌القدس افراد، دست‌گذاری خواهیم کرد. و آن وقت شما این شانس را دارید که در تمام تعطیلات اینجا بماند، البته اگر آن قدر طول بکشد. می‌خواهیم تعدادی خادم بیاییم. شماره تماس، شماره تماس آنها و اگر در این شهر مسافر هستید، شماره تماس جایی که در آن اقامت دارند؛ تا بتوانیم سریعاً با آنها تماس بگیریم. تا آنها خانه به خانه و از جایی به جای دیگر بیایند و بتوانند یک مقدمه و تعریف کوچکی از تعمید روح‌القدس را به شما که در جستجوی چنان برکت عظیمی هستید، بدهند.

۳. دیشب در مورد این موضوع صحبت می‌کردیم که «روح‌القدس چیست؟» و متوجه

شدیم که این تمام آن چیزی است که خدا به ما وعده داده است. ما متوجه شدیم که روح‌القدس یک مَهر است. یک تسلی دهنده، آرامی، خوشی و قیامت و تمام آن چیزی که خدا به کلیسای خود وعده داده است، در روح‌القدس قرار دارد.

۴. و امشب می‌خواهیم در مورد این موضوع موعظه کنیم و تعلیم بدهیم... حدود سه یا چهار صفحه از بخش‌های مختلف کتاب‌مقدس را اینجا دارم که در این مورد است. دیشب کشف‌الآیات خود را اینجا جا گذاشتم و آن را در اختیار نداشتم. ولی امروز تمام تلاش خود را می‌کنم تا به بهترین نحو ممکن به این موضوع بپردازم.

۵. حال امشب در مورد این تعلیم می‌دهیم که هدف خدا از فرستادن روح‌القدس چه بود؟ این برای چیست؟ اگر این چیزی به این عظمت است، پس چرا خدا آن را فرستاد؟ و فردا شب می‌خواهیم در این مورد صحبت کنیم که «آیا این برای شماست؟» و اینکه «چگونه آن را بدست آورید؟» و بعد، وقتی که از طریق کلام به آن پرداختیم، این را توسط روح‌القدس توضیح دهیم. چون باید هر چیزی را بر اساس کلام بسنجیم. آن‌وقت کسانی که به دنبال روح‌القدس هستند، می‌توانند نزدیک شوند. و بعد امیدواریم که توسط روح‌القدس، این بیداری پس از آن در افراد به حرکت درآید.

۶. حال، احساس می‌کنم که فردا شب ممکن است افراد زیادی در کلیسا بمانند. فکر می‌کنم اگر بتوانیم تعدادی از خادمین یا افرادی را که در امر هدایت افراد به سمت دریافت روح‌القدس با تجربه هستند، بیاییم تا به آنها روحیه بدهند. تا به خانه‌های زن و شوهران، یا هرکس که به دنبال روح‌القدس است، بروند. این تعلیم و راهنمایی خوبی خواهد بود که چه کاری برای آنها لازم است. امشب یا فردا شب می‌توانید آدرس یا شماره تلفن خود را به شبان بدهید. این را به برادر نوبل بدهید. آن‌وقت نیاز نخواهد بود که یک جلسه برای این کار ترتیب بدهیم. شماره تلفن جایی را که می‌توانیم با شما تماس بگیریم، به ما بدهید و بگویید، من در این شماره در دسترس هستم... اگر یک

خانم تنها باشید، آن وقت ما یک خانم را پیش شما می‌فرستیم. متوجه هستید؟ و یا اگر در خانه‌ای هستید که همسر شما حضور دارد، می‌توانیم یک خادم را نزد شما بفرستیم. خوشحال می‌شویم که همکاری شما را داشته باشیم. چون می‌دانم همه‌ی شما در این مورد مشتاق هستید. یادتان باشد که او جان را از خطاهایش نجات داده و گناهان بسیاری را پوشانده است. می‌بینید؟ و عروس مسیح گرسنه و تشنه است. او مهیا می‌شود تا فرزندان خدا را به دنیا بیاورد.

۷. و اکنون، امشب قبل از اینکه شروع به خواندن کلام کنیم، برای چند لحظه سرهای خودمان را برای دعا خم می‌کنیم. و قبل از اینکه دعا کنیم، درحالی که سرهایتان را در حضور خدا خم کرده‌اید، اگر نیازی در درون خود دارید، دست‌های خود را بلند کنید و بگویید: "خداوند! فروتنانه دست خود را در حضور تو بلند می‌کنم. من نیازمند هستم. خداوند! دعا می‌کنم که تو به من کمک کنی." خدا به تک تک شما برکت بدهد. او دست‌های شما را می‌بیند. فرشتگان دست‌های شما را برگرفته‌اند.

۸. پدر آسمانی! یک بار دیگر در دعا به تو نزدیک می‌شویم، که بدون شک الحال در بین فرزندان خدا، این دعا صورت گرفته. امشب در این مکان کوچک آن سرودها خوانده شده و قلب‌ها را در یک خوشی عظیم در ستایش خدا به حضور تو بلند کرده‌ایم.

۹. داود می‌گفت که به میان جمع مقدسین آمده و خواست خود را مطرح می‌کرد. امشب نیز دست‌های زیادی به حضور تو بلند شده است. شاید بتوانم بگویم بیش از هشتاد درصد کسانی که در این ساختمان هستند، دست خود را برای اعلام نیاز به حضور تو بلند کرده‌اند. خداوند! این نشان می‌دهد که ما نمی‌توانیم بدون تو پیش برویم. ما باید هر روز و هر روز تو را داشته باشیم. تو حیات ما هستی، خوشی ما، شفای ما، قدرت دائم ما، ملجا و سپر ما و پناهگاه ما در برابر دشمن.

ما نمی‌توانیم بدون تو به این نبرد حیات پردازیم. این برای ما مطلقاً غیر ممکن است و کاملاً آن را بر عهده‌ی تو گذارده‌ایم. زیرا می‌دانیم که در یک زمین تاریک گام برمی‌داریم. دشمن از هر طرف با دام‌ها و تله‌ها ما را احاطه نموده است. خداوندا! راه‌های ما پر از دام‌هایی است که دشمن برای لغزاندن ما گسترانده است.

۱۰. و ما نیز می‌دانیم، در پایان این راه چیزی خواهد بود که وادی سایه‌ی موت خوانده می‌شود. اوه خداوندا! چه کسی دست ما را خواهد گرفت؟ خداوندا! می‌خواهیم بدانیم که تو می‌دانی. می‌خواهیم بدانیم که دست ما را گرفته‌ای و ما نیز دست تو را و ما می‌توانیم آن لنگر اطمینان را داشته باشیم. تا زمانی که به آن لحظه‌ی عظیم زندگی خود می‌رسیم و زمانی که به دروازه‌ی موت گام می‌گذاریم، بتوانیم با مقدسین گذشته بگوییم: "او را در قوت رستاخیزش می‌شناسم و می‌دانم وقتی مرا بخواند، از بین مردگان خواهیم آمد."

۱۱. اکنون، خدای پدر! دعا می‌کنیم که تو درخواست‌های ما و جمیع ما را برکت دهی. کلام خود را مبارک سازی و اگر من چیزی می‌گویم که خلاف کلام تو و یا خلاف اراده‌ی توست، تو همچنان قدرت داری تا دهان مرا ببندی. همان‌گونه که وقتی دانیال در چاه شیران بود، این کار را کردی. و دعای ما این است که امشب قلب‌ها و گوش‌ها را باز کنی، تا در آنها گرسنگی و تشنگی را ایجاد کنی. باشد تا چنان عطش و گرسنگی در آنها ایجاد شود که تا وقتی آن تسلی دهنده بر ایشان قرار نگرفته، قادر به خواب و استراحت نباشد.

۱۲. ایمان داریم که در ایام آخر زندگی می‌کنیم. در سایه‌ی بازگشت او و به همین دلیل است که این پیغام‌ها به آن سمت هدایت شده‌اند. خداوندا! این به این دلیل است که به قوم هشدار داده شود، تا قوم متوجه شوند. باشد تا امشب نقاب و هر پوششی را از خود برداریم و بگوییم: "خداوند خدا! امشب ظرفی باشم در دست تو. باشد تا روح تو توسط

من دیده شود. من را شکل بده تا به دنبال اراده‌ی تو باشم. قلب و قوت و همه چیز خود را به تو و خواست تو تقدیم می‌کنم."

۱۳. ما را بشنو ای خداوندا! در این شب بارانی اینجا جمع نشده‌ایم تا دیده شویم. اینجا جمع نشده‌ایم چون جای دیگری برای رفتن نداشتیم. برای یک هدف مقدس، جدی و اساسی در قلبمان اینجا هستیم. آن هم این است که به تو نزدیک شویم و با دانستن اینکه تو وعده دادی اگر ما خود را به تو نزدیک سازیم، تو نیز خود را به ما نزدیک خواهی نمود. و این دلیلی است که ما اینجا جمع شده‌ایم. کسی که در گرسنگی بیاید، گرسنه اینجا را ترک نخواهد نمود. "خوشابحال گرسنگان و تشنگان عدالت" عیسی گفت: "زیرا ایشان سیر خواهند شد."^۲ و اگر ما نان بخواهیم، سنگ به ما داده نخواهد شد. ما این تضمین و اطمینان را داریم. اگر ماهی بخواهیم افعی دریافت نمی‌کنیم؛ بلکه خدا، پدر ما، ما را از من آسمانی اطعام خواهد نمود.^۳ کلام و روح اوست که او را می‌نمایاند. دعای ما را اجابت کن خداوندا! و خواست‌های ما را خداوندا! چنان که آن را ابراز کردیم و در انتظار تو هستیم. در نام عیسی مسیح دعا می‌کنیم. آمین!

۱۴. حال شما که با من آیات را دنبال می‌کنید، لطفاً دوباره انجیل یوحنا باب ۱۴ را با من باز کنید. می‌خواهیم از باب ۱۴ انجیل یوحنا شروع کنیم و تقریباً از آیه‌ی چهاردهم. یوحنا ۱۴:۱۴ و بخشی از این متن را با هم بخوانیم. در این بخش زمینه‌های زیادی از آنچه می‌خواهیم امشب از آن صحبت کنیم را می‌یابید.

۱۵. و یادتان باشد، شما که کتاب مقدس‌هایی با حروف قرمز دارید، این بخش در حروف قرمز رنگ است. این کلامی است که خود عیسی از آن صحبت نمود. پس از این رو می‌توانیم با اطمینان ادامه دهیم که این به همان صورتی است که او گفته است.

^۲ انجیل متی ۶:۵
^۳ اشاره به انجیل متی باب ۶

"آسمان و زمین زائل می‌شوند ولی کلام او تا به ابد باقی است."

حال از آیه ۱۴ از باب ۱۴ انجیل یوحنا را با هم می‌خوانیم.

"۱۴ اگر چیزی به اسم من طلب کنید، من آن را بجا خواهم آورد."

چه وعده با برکتی!

"^{۱۵} اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. ^{۱۶} و من از پدر سوال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند. ^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند، زیرا که او را نمی‌بیند..."

حال شما که از روی کتاب مقدس یونانی می‌خوانید، ممکن است ببینید که اینجا... نه... «دیدن» در آنجا به معنی «فهمیدن» آمده است. "چرا که جهان نمی‌تواند او را بفهمد." این کاملاً درست است. حال بگذارید دوباره آن را بخوانیم.

"^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید..." (چه کسی را؟ تسلی دهنده را.) "زیرا که با شما می‌ماند." (زمان حاضر...) "زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود."

این چیست؟ همان تسلی دهنده.

"^{۱۸} شما را یتیم نمی‌گذارم، من..."

همه می‌دانند که «من» یک ضمیر شخصی است.

"نزد شما می‌آیم. ^{۱۹} بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند و اما شما مرا می‌بینید و از این جهت که من زنده‌ام، شما هم خواهید زیست. ^{۲۰} و در آن روز شما خواهید

دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما."

این محور صحبت من خواهد بود، ولی می‌خواهیم کمی جلوتر را بخوانیم. بگذارید این را هم دوباره بخوانم.

"^{۲۰} و در آن روز" (روز عظیم، روز داوری) "شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما."^{۲۱} هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می‌نماید، و آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.^{۲۲} یهودا، نه آن اسخریوطی، به وی گفت: «ای آقا چگونه می‌خواهی خود را به ما بنمایی و نه به جهان؟»

این «کاسموس»^۴ است، یعنی «سیستم دنیوی». اگر شما هم کتابتان مطالب حاشیه داشته باشد، متوجه خواهید شد... کتاب من یک حرف «جی»^۵ دارد و می‌گوید کاسموس یا سیستم دنیوی. این کلیساها و غیره هستند. می‌بینید؟

چگونه است که خود را بر ما ظاهر می‌سازی، نه بر آنها؟ چطور می‌توانی این کار را بکنی؟

"^{۲۳} عیسی در جواب او گفت: «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم گرفت.»^{۲۴} و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند..."

کلام کلیسا را به جای کلام او حفظ می‌کند. می‌بینید؟

^۴ kosmos
^۵ G به معنی داشتن توضیحات در حاشیه یا پاورقی

"... و کلامی که می‌شنوید از من نیست. بلکه از پدری که در من است.^{۲۵} این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم.^{۲۶} لیکن تسلی دهنده، یعنی روح‌القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد. او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم..." (که کلام اوست). "... به یاد شما خواهد آورد."

پس خدا روح‌القدس را به چه هدفی فرستاد؟ تا برکت خود را بر کلام خویش بیفزاید.

۱۶. عیسی گفت که: "و در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و پدر در من است و شما، من در شما و شما در من." حال اگر می‌خواستیم این را بگوییم...

۱۷. یادتان باشد این قرار است روی نوار ضبط شود. یک نفر از «تاجرین مسیحی» خارج از لویزویل^۶ مدتی پیش به من زنگ زد و گفت: "بیلی! این خجالت آور است که پیغام‌هایی مانند آنچه که شب گذشته پیغام دادی، بجای اینکه چهل تا پنجاه هزار نفر بشنوند، به صد تا صد و پنجاه نفر داده می‌شود. چون نهایتاً سیصد نفر در خیمه‌های کوچک جمع می‌شوند."

۱۸. گفتم: "آقا! از این تاریخ تا شش ماه دیگر، اگر عیسی بخواهد سر تا سر دنیا این پیغام‌ها را خواهند شنید." می‌بینید؟

آن نوارها به تمام دنیا می‌رود. به سر تا سر دنیا. و از این رو، ما اینجا چیزی را تعلیم می‌دهیم که بر حقیقت بودن آن ایمان داریم و خدا درست و حقیقت بودن آنچه را که دریافتیم، برای ما تأیید نموده است.

۱۹. حال هدف... خدا از فرستادن روح‌القدس چه هدفی داشت؟ حال ابتدای آیه ۱۴ از باب ۱۴ انجیل یوحنا تا آخر باب را بعنوان مرجع موضوع علامت بزنید. در اینجا می‌بینیم

که هدف خدا از فرستادن روح القدس یک هدف بود، که خود خدا در کلیسای خویش ساکن گردد و نقشه‌ی خود را توسط کلیسا ادامه دهد.

که خدا در مسیح، خدا در حال انجام نقشه‌اش در مسیح بود و خارج از مسیح در کلیسا آن اعمال خود را توسط کلیسا ادامه می‌دهد.

۲۰. حال، ما می‌دانیم که روح القدس چیست. دیشب دیدیم که این خداست.

حال وقتی به خدا، به پدر فکر می‌کنیم، چنان‌که عیسی در اینجا از آن صحبت کرده است، پدر او، خدا، عیسی بعنوان پسر، خدا، روح القدس چیزی که امروز او را می‌نامیم؛ به این معنی نیست که سه خدای مجزا و سه شخصیت مجزا از هم باشند. این یعنی که هر سه، یک خدا در سه صورت است.

می‌توانیم این‌گونه بگوییم، تمام آنچه که خدا بود او در مسیح ریخت. زیرا خود را خالی کرده و در مسیح ریخت و مسیح از نظر جسمی تمامی پری الوهیت بود. تمام آنچه که یهوه بود، او در مسیح ریخت.

و تمام آنچه که مسیح بود، او در کلیسا ریخت. نه در یک شخص بلکه در تمام بدن. آنجا، جایی است که ما در اتحاد و یگانگی جمع می‌شویم. آنجاست که قدرت داریم. تمام آنچه که خدا بود، در مسیح بود و تمام آنچه که در مسیح بود، در شماست.

زیرا خدا جسم شده و در بین ما ساکن شد. اول تیموتائوس ۳:۱۶: "و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد." او را لمس کردیم. خدا، یهوه جسم شده، بر روی زمین راه رفت و او را با چشمان خود دیدیم.

۲۱. می‌دانید در همین باب ۱۴ انجیل یوحنا فیلیپس گفت: "ای آقا! پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است."

۲۲. عیسی گفت: "ای فیلیس! در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟" خدا جسم شده بود.

۲۳. حال اینجا... پدر خدا بود، فوق شما. ما می‌گوییم... از زمان آدم، خدا، پدر، بالای سر موسی و بنی اسرائیل در ستون آتش بود. سپس، خدا با ما، در مسیح با ما راه رفت، با ما صحبت کرد. با ما غذا خورد و در کنار ما خوابید. خدا فوق از ما، خدا با ما، و اکنون خدا در ماست. تمام آنچه که خدا بود، در مسیح آمد. تمام آنچه که در مسیح بود، به درون کلیسا آمد.

این یعنی چه؟ خدا در شما کار می‌کند. هر جای دنیا که باشید. اگر بخواهد که شما را فرا بخواند، شما همانجا خواهید بود. در شما عمل می‌کند، تا اراده‌ی نیکوی او را بجا آورید. چطور می‌توانیم خدا را از این بابت شکر کنیم. خدا، روح‌القدس بخاطر هدف و برنامه‌ی خدا برای حیات در کلیسای خویش و حرکت در هر دوره و بجا آوردن اراده‌ی الهی او فرستاده شد.

۲۴. کسی که شما را مسخره می‌کند، در اصل شما را مسخره نمی‌کند؛ بلکه در حال تمسخر نمودن کسی است که شما را فرستاده است. عیسی گفت: "خوشابحال شما وقتی که مردم بخاطر نام من شما را از خود جدا سازند و دشنام دهند و نام شما را مثل شریر بیرون کنند." ^۷ و باز همه کسانی که می‌خواهند. "و همه‌ی کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید." ^۸

زیرا زمانی که خدا خود را در مسیح شناساند، آنها از او نفرت داشتند. چه کسی بیش از همه از او تنفر داشت؟ کلیسا. کلیسا بیش از همه از او متنفر بود. آنها بیش از دائم‌الخمرها

^۷ انجیل لوقا ۶:۲۲
^۸ دوم تیموتائوس ۳:۱۲

از او متنفر بودند. آنها بیش از همه‌ی مردم از او نفرت داشتند. این کلیسا بود که از او متنفر بود. پس از این‌رو وقتی کاسموس را می‌بینید که «نظم جهانی، جهان او را نشناخت.» یعنی «کلیسا» یا چیزی که کلیسا خوانده می‌شود، او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند.

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند، قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یعنی به هرکس که به اسم او ایمان آورد. او! چقدر باید او را محبت نموده و پرستش نماییم. هدف خدا، او می‌خواست که در مشارکت باشد.

۲۵. قبل از اینکه از آن بخش خارج شویم، بگذارید از این استفاده کنیم. در ایام روت، در دوران شریعت، زمانی که نعومی بخاطر سختی‌ها و رنج‌ها کشور را ترک کرد، به سرزمین موآبیان رفت که فاتر و مسیحیان ظاهری بودند. زیرا موآبیان از نسل دختران لوط بودند و آنها در ظاهر ایماندار بودند، ولی با جهان مختلط شده بودند. بعد، شوهر و دو پسرش مردند و در راه بازگشت به وطن نعومی، در راه بازگشت روت و نعومی، یکی از عروس‌های او به نام عرفه، او به نزد خویش و نزد خدایان خود و نزد کلیسای خود و قوم خویش بازگشت. نعومی سعی کرد که روت را هم وادار به بازگشت کند، ولی روت گفت: "قوم تو قوم من، و خدای تو خدای من است. هر جا که تو بمیری، من نیز آنجا خواهم مرد. جایی که تو دفن شوی، من نیز آنجا دفن خواهم شد و باز نخواهم گشت."^۹

۲۶. این زمانی است که یک نفر رویایی بدست آورده باشد. هیچ فرقی نمی‌کند که قوم او چه می‌گفتند. "داری به آنجا می‌روی که یک دین خروش یا چیزی شبیه این باشی." این هیچ اهمیتی برای روت نداشت. این برنامه در نقشه‌ی خدا بود که باید تحقق می‌یافت.

^۹ اشاره به روت باب ۱، ۲ و ۴

۲۷. و قطعاً شما که امشب گرسنه‌ی روح‌القدس هستید. چیزی درون شماست که شما را می‌کشد. که نقشه‌ی خدا باید در زندگی شما تحقق یابد. درست به همان صورتی که در زندگی روت بود.

۲۸. این داستان بسیار زیباست. نمی‌توانم آن را رها کنم. شما قانون انفکاک را می‌دانید. وقتی که بوعز... می‌دانید که روت در مزارع بوعز خوشه چینی می‌کرد و در نظر بوعز، التفات یافت. قبل از اینکه بوعز بخواهد با او ازدواج کند، باید هر چیزی را که نعومی از دست داده بود، از گرو در می‌آورد و تنها کسی که می‌توانست اموال نعومی را باز خرید کند، باید یک خویشاوند مرد، یک خویشاوند نزدیک می‌بود که بتواند این اموال را باز خرید کند. و او نزدیک‌ترین خویشاوند بود. او باید خارج از شهر یک اعلام عمومی می‌کرد. یعنی در ملاء عام اعتراف می‌کرد تمام آن چیزی را که نعومی از دست داده، منفک نموده است. و بوعز این کار را با درآوردن کفش نزد مشایخ انجام داد و گفت: "اگر در اینجا کسی هست که چیزی از اموال نعومی را در اختیار دارد، من امروز آن را منفک نمودم."

۲۹. و این کاری است که خدا انجام داد. قوانین خود را دنبال نمود. خدا نمی‌تواند به شما یک قانون بدهد و خود چیز دیگری را دنبال کند. او قوانین خود را متابعت می‌کند. پس خدا برای رهایی از آنچه کلیسا از دست داده بود، جهان از دست رفته‌ی خلقت، فنا شد... خدا که در روح نامحدود است، برای رهایی نسل بشر، خود خدا همان خویشاوند شد، یک انسان، پسری که در رحم مریم خلق شد. و بعد او یک شهادت داد. بیرون از دروازه اورشلیم بین زمین و آسمان بلند کرده شد و مُرد و همه چیز را منفک نمود. و زمانی که خونش ریخته شد، کلیسا را تقدیس نمود. کلیسایی که خود بتواند در آن ساکن شود و با آن مشارکت داشته باشد. در محل مشارکت باغ عدن، جایی که هر روز خدا پایین می‌آمد. توجه کردید؟ خدا در زمان نسیم روز پایین می‌آمد. نکته‌ای در زمان

آغاز شب وجود دارد. مردم به کلیسا فکر می‌کنند و به خدا و مسیحیان. وقتی می‌بینید که خورشید پایین می‌رود، متوجه می‌شوید که خورشید شما هم در حال افول است.

۳۰. و در خنکای غروب او پایین می‌آمد و با آنها مشارکت داشت. آنجا آن مشارکت را با آنها از دست داد. زیرا گناه، اجازه‌ی مشارکت داشتن را به آنها نمی‌داد.

سپس او جسم شد و در ما ساکن گردید. برای اینکه بتواند نزد انسان بازگردد، در انسان زندگی کند و دوباره انسان را به آن نقطه‌ی مشارکتی که داشت، بازگرداند و حقوق خدادادی او را به وی بازگرداند. این کاری است که او انجام داد.

۳۱. این هدف روح‌القدس است. دوباره این پدر است. خدا، پدر در شما ساکن می‌شود، نقشه خود را انجام می‌دهد تا آن نقشی انفکاک را به سرانجام برساند. از طریق شما کار می‌کند. شما را همکار خود می‌کند و یک جایگاه و مکان به شما می‌دهد. به شما سهمی از آنچه از دست دادید، می‌دهد. برادر و خواهرم! او روح و محبت خود را به شما می‌دهد، تا گمشدگان را صید کنید. چنان‌که او در باغ عدن انجام داد. "آدم، آدم کجا هستی؟" این کاری است که روح‌القدس با یک مرد و زن انجام می‌دهد، وقتی به قلب‌های آنها وارد شده و در آنجا ساکن می‌شود. برای جان‌های گمشده یک گرسنگی و تشنگی ایجاد می‌شود.

این مشکل اکثر جلسات امروز است. لمس روح‌القدس برای رفتن به دنبال جان‌های گم‌گشته‌ای که رو به موت هستند، وجود ندارد. این بیشتر بخاطر نام یک کلیسا، یک فرقه، یک کلیسا یا یک ساختمان است. بجای اینکه برنامه‌ای برای صید جان‌ها باشد. چقدر رقت انگیز!

خدا خود را در مسیح ریخت. درست است.

۳۲. مسیح خود را در کلیسا ریخت، از این‌رو... حال نگاه کنید "در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من هستید و من در شما هستم." در آن روز خواهید دانست. چون تمام این یک نقشه‌ی رهایی است که انجام می‌شود، تا خدا بازگردد، در ما ساکن شود و با قوم خود مشارکت داشته باشد. چنان‌که در ابتدا انجام می‌داد.

حال، به محض اینکه او کلیسای خود را به شرایطی که صحبت کردیم می‌رساند، کلیسای خود را به مکانی می‌برد که بتواند از آن طریق محبت، مشارکت و عشق خود را به جریان بپردازد. آن وقت یک عدن پیش رو خواهد بود. او کلیسای خود را به جایی خواهد برگرداند که او را ترک نمود. این... حال، اینجا جایی است که اولین سقوط در آن آغاز شد. جایی که با هر لوح پاک، دقیقاً رهایی به همان مکان باز می‌گردند.

۳۳. کلیسا در طول زمان در دنیا بوده است. کلیسا، در حقیقت، بعد از اصلاحات، پس از دوره‌ی ۱۵۰۰ سال تاریکی... لوتر اولین اصلاحگری بود که بعد از دوره‌ی رسولان پیش آمد. بعد وقتی که لوتر پیش آمد، خدا مقداری از روح را در عادل شمردگی بر کلیسا ریخت و بعد در دوران جان وسلی مقدار بیشتری از خود را در تقدس، روی کلیسا ریخت و از آن دوره تا زمان آخر در حال رشد بوده، خدا نیز در حال پر کردن کلیسای خویش بوده است. فقط به اطراف خود نگاه کنید، ببینید که این درست است یا نه.

۳۴. به دوره‌ی لوتری نگاه کنید، شما که تاریخ را می‌خوانید، به بیداری آنها نگاه کنید و کاری که آنها کردند. ببینید که بیداری وسلی چقدر عظیم‌تر بود. چقدر قوت بیشتری داشتند، ولی در اقلیت بودند. به دوران پنطیکاست نگاه کنید. آن زمان چه بیداری داشتند! چه دروغ بزرگی!

۳۵. «زائرین یکشنبه‌های ما» در روزنامه‌ای اعتراف کردند که پنطیکاستی‌ها ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر تبدیل شده را فقط در ظرف یک سال داشته‌اند. بر تمام کلیساهای دیگر غلبه نمودند.

کاتولیک‌ها این اعتراف را تغییر دادند و مدعی تنها یک میلیون نفر شده‌اند. «زائرین یکشنبه‌های ما» در روزنامه‌ی خودشان بیان کرده‌اند که پنطیکاستی‌ها بر آنها غالب شده‌اند.

یادتان باشد، تبدیل شدگان پنطیکاستی، روح‌القدس است که ایشان را تبدیل نموده است. زمان شروع آنها در اقلیت بودند. آنها کنار کوچه‌ها و خیابان‌ها با یک گیتار کهنه می‌ایستادند و... زنانشان حتی قادر به خرید یک جفت جوراب نبودند. کنار واگن‌های راه‌آهن می‌ایستادند و ذرت برمی‌داشتند، تا با آن برای فرزندانشان نان درست کنند. ولی به کجا رسیده است؟ یکی از پر قدرت‌ترین کلیساهای جهان. نه از نظر دنیا که از نظر خداوند. زیرا او این را از طریق اعمالی که برایشان انجام می‌دهد، ثابت می‌کند. او خود را بر ایشان سرازیر می‌کند.

۳۶. توجه کنید که چه رخ داده است. خدا خود را بر ایشان می‌ریزد... حال، کلیسا از دوران لوتر، ولسلی... و در ادامه با بیداری پنطیکاست به یک جایی رسیده است. و حال در دورانی که ما در آن هستیم، توسط همان روح‌القدس، با قوتی بیشتر... در آن دوران وقتی لوتری‌ها نجات یافتند، سهمی از روح‌القدس را یافتند. وقتی که متدیست‌ها به تقدس رسیدند، این یک عمل روح‌القدس بود. می‌بینید؟ این بخشی از روح‌القدس بود. کلام می‌گوید: "بدون ما آنها کامل نمی‌شوند."^{۱۰} می‌بینید؟

۳۷. حال، خدا... بعنوان روشنایی در ایام آخر شروع به تابش نموده است. او منتظر ماست. یک کار بزرگ از ما، زیرا در جایی که زیاده عطا شده باشد، زیاد هم مطالبه خواهد شد. پس او از ما بیش از آنچه که از لوتری‌ها و متدیست‌ها انتظار داشت، مطالبه می‌کند. زیرا مادر نوری عظیم‌تر، با قوتی بیشتر با یک، با یک شهادت عظیم‌تر از آنچه که آنها داشتند، حرکت می‌کنیم. ما چیزهای ثابت‌تری داریم، اطمینانی بیش از آنچه آنها داشتند.

^{۱۰} اشاره به عبرانیان ۴۰:۱۱

۳۸. ولی این درست مثل همان چیزی است که مدتی قبل در یک دانشکده‌ی لوتری به آنها گفتم.

آنها گفتند: "ما چه یافتیم؟"

گفتم: "یک مرد، زمینی را ذرت کاشت. اولین جوانه‌ها نمایان شدند. او گفت: «خدا را شکر برای این جوانه‌های ذرت.» در واقع او ذرت را داشت، ولی در شکل ابتدایی آن. همین‌طور که گذشت به ساقه رسید و کاکل‌های ذرت از آن بیرون آمد، که همان متدیست‌ها بودند."

۳۹. اگر به طبیعت نگاه کنید، کار خدا را خواهید دید. یک رازی در آنجا قرار دارد که با خدمت من نیز تطابق دارد. متوجه می‌شوید؟ ببینید طبیعت به این شکل چگونه عمل می‌کند؟ خواهید دید که در چه دوره‌ای و چه زمانی، کجا زندگی می‌کنید. دوره را ببینید.

۴۰. حال به متدیست‌ها نگاه کنید. آنها آن کاکل ذرت بودند. آنها با نگاهی به عقب به لوتری‌ها می‌گفتند: "ما به تقدس رسیده‌ایم. شما سهمی در آن ندارید."

کم کم از آن گرده، یک خوشه‌ی ذرت پدید آمد، که پنطیکاست بود.

بفرمایید. یک بخش از آن، عادل شمردگی؛ بخشی دیگر آن، تقدس و بخشی دیگر، روح‌القدس. پنطیکاست، لوتر، و سلی، پنطیکاست.

۴۱. حال پنطیکاست چه... من شبیه این هستم، زیرا در پنطیکاست این بازگردانده شد. نه یک برگ سبز، نه یک کاکل ذرت...

ولی ذرت نمی‌تواند به همان کاکل ذرت بگوید: "هیچ کاری با تو ندارم." یا آن کاکل نمی‌تواند به برگ بگوید: "هیچ کاری با تو ندارم." زیرا همان حیاتی که در برگ بود، آن کاکل ذرت را ساخت. همان حیاتی که نور آن کامل بود، شاخه را ساخت.

این کلیسای لوتری بود که کلیسای وسلی را ساخت. این کلیسای وسلی بود که پنطیکاست را ساخت.

ولی پنطیکاست، این چه بود؟ این یک احیا از همان نوع، همان دانه‌ای بود که در ابتدا در زمین قرار گرفت و تمام قوت پنطیکاست را در ایام آخر از طریق تعمید روح القدس بازگرداند. او! این چیز بزرگی است برای دیدن، برای دیدن و ایمان آوردن.

۴۲. حال، در این دوران که ما در آن زیست می‌کنیم، این دوران، فراتر از پنطیکاست است.

پنطیکاست خود را با تشکیلات همراه نمود و در حال تقلید همه جانبه از تشکیلات و فرقه‌هاست. "ما این هستیم، یا ما آن هستیم." این طبیعی است. نمی‌توانید کاری بکنید. این طبیعی است. آنها این کار را خواهند کرد. برنامه برای آنها این است که این کار را انجام دهند.

ولی کلیسا به حرکت ادامه داده است. کلیسا به یک چیز قدرتمندتر و عظیم‌تر... این احیای عطایا است.

خیلی از پنطیکاستی‌ها به شفای الهی، خدمت فرشتگان و قوت خدا ایمان ندارند. خیلی از پنطیکاستی‌ها این رویاهایی را که من می‌بینم، از شیطان می‌نامند. خیلی از تشکیلات حتی کاری با پنطیکاست نخواهند داشت. می‌بینید؟ ما به فراتر از آن حرکت کرده‌ایم. درست همان‌طور که متدیست‌ها، پنطیکاستی‌ها را به خاطر صحبت به زبان‌ها دیوانه می‌خوانند.

درست مثل همان زمان که لوتری‌ها به متدیست‌ها، بخاطر فریادشان در حضور خدا می‌گفتند دیوانه... می‌بینید؟ ولی تمام اینها از روح القدس است. تا زمانی که کلیسا کاملاً

پر شده باشد. هملویاه! از قدرت خداوند قادر به جایی رسید که همان اعمالی که عیسی انجام داد، اکنون خود را در کلیسا آشکار می‌سازد. ما نزدیک هستیم ای دوستان!

۴۳. بگذارید چند لحظه همین‌جا توقف کنیم تا متوجه شویم که خدا برای چه روح‌القدس را در کلیسا قرار دارد. یک نمونه‌ی دیگر به شما می‌دهم تا بهتر متوجه شوید.

در عهد عتیق زمانی که یک مرد برای خود خانه‌ای بنا می‌کرد، عروس خود را به آنجا می‌آورد. اولین نکته.

آن‌وقت او مردی بزرگ می‌شد. مثل یک تشکیلات، این خوب بود.

اتفاق بعدی که می‌افتاد، یک تولد در آن خانه بود. این زمانی است که روح‌القدس... می‌بینید؟ یک روح دیگر وارد می‌شد. که یک پسر بود. آن پسر دارای تمام مسئولیت‌ها نبود. همچنین تا قبل از اینکه به سن مشخصی برسد، وارث محسوب نمی‌شد. او ابتدا باید شایستگی خود را اثبات می‌کرد.

بله، و بعد آنها قانون فرزند خواندگی را داشتند. خطاب به شما خادمین، جایگاه پسری چیزی است که از آن صحبت می‌کنم. متوجه هستید؟ سپس وقتی به جایی می‌رسید که باید پذیرفته می‌شد... عیسی در کوه هیئت یک تصویر بسیار زیبا از این تبدیل به نمایش گذاشت.

۴۴. همان‌طور که گفتم، خدا برای انجام هیچ کاری از قانون خود عدول نمی‌کند.

اگر شما یک چاه روی این تپه داشته باشید که آب آن در تمام آسمان سرازیر شود، و در آن یکی تپه زمین زراعی هم داشته باشید، می‌توانید بایستید و فریاد بزنید: "ای آب! بیا و بر زمین من بریز. ای آب! بیا و زمین مرا پر کن." هرگز این اتفاق رخ نخواهد داد.

اما اگر بر اساس قانون جاذبه و تمایل عمل کنید، می‌توانید آن زمین را آبیاری کنید.

۴۵. اگر یک بیمار اینجا داشته باشید، یا یک گناهکار یا کسی که می‌خواهد خوب باشد؛ مثلاً کسی که نمی‌تواند سیگار را ترک کند، نمی‌تواند نوشیدن مشروب را کنار بگذارد، یا از شهوت رنج می‌برد. اگر شما بر طبق قانون خدا کار کنید، روح‌القدس آنجا پایین می‌آید و او دیگر از آن خود نخواهد بود. او آن کار را ترک خواهد نمود. زیرا روح‌القدس او را احاطه نموده است. ولی شما باید بر طبق قانون خدا کار کنید.

۴۶. در عهد عتیق زمانی که کودک متولد می‌شد، آنها نظارت می‌کردند تا ببینند او چه رفتاری خواهد داشت.

بعد پدر که در آن زمان شاید تاجری بزرگ بود، در سن چهل یا پنجاه سالگی وقت این را نداشت که خودش به این نوزاد تعلیم دهد. پس از این‌رو... در آن دوران هم مانند امروز مدارس عمومی وجود نداشت. پس آنها کسی را مانند معلم خصوصی برای او می‌گرفتند. این فرد باید بهترین کسی بود که می‌توانستند پیدا کنند. پس او می‌بایست راستگو بوده و حقیقت را به پدر می‌گفت.

۴۷. و بعد زمانی که این پسر به سن مشخصی می‌رسید، یعنی بالغ می‌شد. اگر آن پسر، پسر خوبی نبود و به تجارت پدر خود اهمیت نمی‌داد، تنها چیزی که یاد گرفته بود این بود که به دنبال زنان و دختران بدود و وقت خود را با آنها سپری کند، یا مشروب بنوشد و قمار کند... او همیشه می‌توانست پسر باشد، اما هرگز نمی‌توانست در جایگاهی قرار بگیرد که بعنوان وارث، تمام آنچه را که پدر داشت، در اختیار بگیرد.

ولی اگر پسر نیکو بود و این نیکو بودن را اثبات کرده و به مسائل پدر خود اهمیت می‌داد، آن وقت جشنی برپا می‌کردند. پسر را به خیابان می‌بردند و ردایی سفید بر دوش او می‌انداختند. او را بر تختی می‌نشاندند که تمام شهر بتواند آن را ببیند. آنها بزمی برپا

می‌کردند و بعد پدر جشن فرزند خواندگی را برپا می‌کرد. او پسر خویش را در کار خود می‌پذیرفت و بعد پسر با پدر خود برابر می‌شد. به عبارتی دیگر، اگر امروز بود، اسم پسر و امضای او روی چک به اندازه‌ی نام و امضای پدر معتبر بود.

۴۸. حال ببینید که خدا چه کرد. وقتی که پسر او متولد شد، به او اجازه داد که سی سال بگذرد. او را آزمود. در آزمایش آورد و سپس سه سال او را در آزمونی بسیار دشوار قرار داد. بعد در پایان آن سه سال آزمون دشوار، وقتی که دید پسر نگران کار پدر است. یعنی همان کوه هیئت تبدیل در کتاب لوقا. پطرس، یعقوب و یوحنا را بعنوان سه شاهد بر گرفت و به بالای کوه رفت. در آنجا بود که خدا قانون فرزند خواندگی را انجام داد. او... آنها به بالا نگاه کردند و عیسی را دیدند. دیدند که لباس او مانند آفتاب درخشان است و یک ابر بر او سایه افکند، صدایی از ابر آمد و گفت: "این است پسر حبیب من، او را بشنوید. اکنون چیزی دیگر برای گفتن ندارم. هر چه او بگوید قانون و حقیقت است."^{۱۱}

۴۹. اکنون نیز کلیسا از طریق آن مدارس عبور نموده است. در گذشته ازدواج کرده و به یک تشکیلات و یک فرقه تبدیل شده است. ولی توجه کنید. تولد، چیز دیگری را به ثمر آورده و اینک به جایی رسیده است که کلیسای پنطیکاستی با تولد تازه آزموده و سنجیده شده است. و اکنون در حال رسیدن به جایی است که... خدا با کلیسا تنها بعنوان یک تشکیلات سرو کار ندارد.

او با کلیسا بعنوان گروهی از مردم سرو کار ندارد. او با کلیسا بعنوان فرد کار دارد، هر فردی در کلیسا. و اینک زمانی رسیده است که... و این راز نیست. همه‌ی ما این را می‌بینیم و می‌دانیم. وقتی یک انسان اثبات می‌کند و خدا او را محبت می‌کند، او را خارج می‌کند. به جایی می‌برد که برای خویش است. آنجا در برابر فرشتگان برای او

^{۱۱} اشاره به انجیل متی باب ۱۷ و انجیل لوقا باب ۹

کاری انجام می‌دهد. او در حضور خدا بلند می‌کند. او را پیشکش می‌کند. او را پر می‌سازد و بیرون می‌فرستد. این دوره‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

۵۰. همان روح‌القدس که لوتری‌ها را نجات داد، متدیست‌ها را تقدیس نمود و پنطیکاستی‌ها را تعمید داد، اینک در حال مهیا نمودن آمدن خداوند است. زمانی که چنان قدرتمند خواهد بود که بدن وارد گروه کلیسا می‌شود و مابقی آنها را از گور بیرون می‌کشد، یک رستاخیز خواهد بود. این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش وجود دارد. روح‌القدس چیست؟ آنها نمی‌توانند بدون ما کامل شوند. آنها در یک دوره‌ی دیگر، تحت آن زیست کردند. ما در دورانی دیگر زندگی می‌کنیم.

زمانی که دشمن سیل آسا وارد می‌شود، من، روح خدا، یک الگو در برابر آن بلند می‌کنم. می‌بینید؟ امروز ما در دورانی هستیم که...

۵۱. در گذشته، آنها نیمی از زیرکی این دوره را نداشتند. آنها قادر به ساختن بمب اتم و یا اتومبیل نبودند. آنها علم و چیزهای عجیب و غریبی را که ما امروز داریم، نداشتند. برای اینکه بگویی انسان از دمیده شدن در خاک شکل گرفت، آن را تجزیه و تحلیل کنی و سعی کنی که آن را اثبات نمایی تا جماعت را کافر سازی.

ولی اینک، وقتی به آن احتیاج داریم، خدا یک استاندارد را بلند می‌کند. این چیست؟ او روح خود را می‌ریزد. آن وقت کسانی که آن سوی مرزها در گور آرامیده‌اند و یا آنانی که زیر مذبح خدا قرار دارند و چنان که کلام می‌گوید: "فریاد می‌زنند، ای خداوند! تا به کی؟ چه مدت؟ پس کی؟" خدا منتظر من و شماست. کلیسا منتظر من و شماست. زمان فرزند خواندگی، زمانی که خدا می‌تواند پُری خود، قوت خود و قیامت خود را بر ما بریزد. زمانی که کلیسا و مسیح آن قدر به هم نزدیک می‌شوند که مسیح در میان ما آشکار می‌گردد، مردگان را بر می‌خیزاند و ما ربوده می‌شویم.

۵۲. حال می‌خواهیم بگوییم، بعد از مدتی نشان می‌دهیم که فقط کسانی که از روح‌القدس پر شده باشند، در ربوده شدن خواهند بود. "و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید..."^{۱۲} درست است، تنها آنانی که از روح‌القدس پر شده‌اند، در ربوده شدن رفتند. حال، خدا روح‌القدس را داده است.

۵۳. یک بخش دیگر را دارم در یوحنا ۱۴:۱۲. این برای تمام کسانی که اینجا در خیمه هستند، آشناست.

"آمین آمین به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد.."

حال اجازه ندهید کلمه‌ی "ایمان آورد" به نوعی شما را به عقب بازگرداند. در یک کلیسای نامی می‌گویند: "بله، من ایمان دارم. قطعاً ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خدا است." شیطان هم به همین ایمان دارد. دقیقاً. کتاب مقدس می‌گوید که ایمان دارد.

ولی در یوحنا گفته شده است که هیچ‌کس نمی‌تواند عیسی را مسیح بخواند، مگر به روح‌القدس... بگذارید قبل از اینکه خواندن آیه را تمام کنیم، چند لحظه همین‌جا مکث کنیم. شما تا زمانی که روح‌القدس را نیابید، تبدیل نشده‌اید. درست است.

۵۴. شما «برای آن» ایمان دارید، روح‌القدس با شما سخن گفته و شما در برابر همه او را اعتراف نموده‌اید. شیطان هم همین را دارد. "من ایمان دارم که او پسر خداست." شیطان هم ایمان دارد. ولی شما به سمت او حرکت می‌کنید.

وقتی پطرس مخاطب قرار گرفت و با ایمان به خداوند عیسی مسیح، عادل شمرده شد... در یوحنا ۱۷:۱۷ عیسی آنها را به کلام تقدیس نمود؛ زیرا کلام، راستی بود و او کلام بود. یوحنا ۱:۱ می‌گوید: "در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود." و

کلمه جسم گردید و در بین ما ساکن شد." او کلمه بود، پس آنان را تقدیس نمود. او گفت: "پدر! در روح با او صحبت می‌کرد. "من ایشان را به کلام تقدیس نمودم." خود او، بر ایشان دست گذارده است. "کلام تو راستی است." فقط با او سخن گفت تا در رحم یک زن بوجود بیاید. او! کاملاً برای او ممکن بود تا بصورتی غیر از کلام خدا، خود را آشکار نماید. "ایشان را تقدیس نمودم."

۵۵. او در برابر ارواح ناپاک به آنها قدرت داد. آنها بیرون رفتند. او نام ایشان را در دفتر حیات بره قرار داد. ایشان را فرستاد. انجیل متی باب ۱۰. و بر ارواح ناپاک قدرت داد تا دیوها را اخراج کنند و این قبیل کارها را انجام دهند. آنها با شادی بازگشتند و گفتند: "حتی دیوها ما را اطاعت می‌کردند."

او گفت: "خوشحال نباشید که دیوها شما را اطاعت می‌کنند. خوشحال باشید که نام شما در دفتر حیات مکتوب است." و یهودا نیز با ایشان بود. می‌بینید که چقدر می‌تواند نزدیک بیاید. درست همراه با عادل شمردگی، حرکت به سمت تقدس. ولی نور خود را کجا نشان داد؟ کجا خود را نشان داد؟ قبل از پنتیکاست. او فقط...

۵۶. مراقب باشید، آن روح می‌تواند به همان اندازه عادل، وارسته و همان مقدار هم مقدس‌نما باشد؛ تا زمانی که می‌رسد به روح القدس. آنها همان‌جا آن را قطع می‌کنند. این آن روح است که رو به جلو می‌رود. (آیا نمی‌توانید ببینید؟) ضد مسیح. و عیسی گفت: "در ایام آخر این دو روح آن قدر به هم نزدیک خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌نمود." ^{۱۳} ولی یادتان باشد، این فقط برگزیدگان هستند که این را خواهند دید.

خدا با برگزیدگی فرامی‌خواند، او... آیا خوشحال نیستید از اینکه یکی از آنها هستید؟

[جماعت می‌گویند: "آمین!"] آیا این شما نیستید که می‌دانید چیزی در درونتان می‌گوید: "روح‌القدس را می‌خواهم. تو را می‌خواهم. خداوندا! تو را در قلبم می‌خواهم؟" این بخاطر آن است که خدا نام شما را پیش از بنیان عالم در دفتر حیات بره قرار داد.

او گفت: "هیچ کس نزد من نمی‌آید." عیسی می‌گفت: "مگر آنکه پدر، او را به من عطا کرده باشد و هر آنکس که نزد من می‌آید، ایشان را حیات ابدی خواهم داد." حیات ابدی چیست؟ روح‌القدس. حیات ابدی. این کلمه را بردارید و در یونانی نگاه کنید. معنی آن «ژئی»^{۱۴} هست و این «ژئی» همان روح‌القدس است. "آنانی که پدر به من بخشیده است، نزد من خواهند آمد. و هر آنکس که به نزد من آید، روح‌القدس را به او عطا خواهم نمود. و او را در ایام آخر برمی‌خیزانم. من این کار را خواهم کرد." او گفت: "هیچ اما و اگر در این کار نیست. «انجام خواهم داد.» هر آنکس که... و حیات ابدی خواهم داد." او باید برخیزد، چون حیات ابدی را یافته است. او می‌بایست بیاید. او دیگر نمی‌تواند بمیرد. همان‌طور که خدا نمی‌تواند بمیرد.

۵۷. اوه، دوستان عزیزی که از سراسر این کشور و این شهر کوچک به اینجا آمده‌اید! اگر می‌توانستم با صدای بشری خود اهمیت دریافت تعمید روح‌القدس را در قلب شما بگذارم، قطعاً عالی‌ترین مکاشفه‌ای بود که در تمام عمر خود داشتید، تا ببینید که... شما باید این کار را انجام دهید.

بگذارید چیزی را در مورد اینکه شما تبدیل نشدید، برایتان روشن کنم.

۵۸. پطرس نجات یافته بود. او به خداوند ایمان داشت و او را دنبال می‌کرد. عیسی به او گفت که کیست و این، او را واداشت تا عیسی را دنبال کند. او را بر ارواح ناپاک

قدرت داد و تقدیس نمود. ولی بعد از تمام اینها... او سخنگوی گروه شد یا همان‌طور که کاتولیک‌ها می‌خواهند بگویند، اسقف کلیسا یا پاپ یا هر چه که بود، مسئول کلیسا. در شب انکارش به او گفت: "پطرس آیا مرا دوست داری؟"

و او گفت: "خداوندا! می‌دانی که دوست دارم." گفت: "گوسفندان من را خوراک بده." و سه بار این را تکرار کرد. و پطرس گفت: "می‌دانی که دوست دارم." و گفت: "با تو تا به موت همراه خواهم بود."

۵۹. او گفت: "قبل از اینکه خروس بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی نمود." و گفت: "ولی من برای تو دعا کردم." گوش کنید، این هم‌هی مطلب نیست. "من برای تو دعا کردم. وقتی برگشتی و تبدیل شدی، برادرانت را استوار گردان." ۱۵

"پس از اینکه تبدیل شدی..." او احتمالاً در روح رقصیده بود. فریاد زده بود. تمام این کارها را را کرده بود. ولی هنوز روح‌القدس را نیافته بود. "بعد از اینکه تبدیل شدی، آن‌وقت برادرانت را استوار گردان." درست است. نقشه‌ی خویش را انجام داد.

۶۰. حال، بگذارید خواندن یوحنا ۱۴:۱۲ را تمام کنیم. در باب ۱۴ آیه‌ی ۱۲ عیسی گفت: "آمین آمین به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد... و شما نمی‌توانید ایمان آورید... می‌توانید به او ایمان داشته باشید. چند نفر این را درک می‌کنند؟ بگویند «آمین»." [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۶۱. یادتان باشد در اعمال باب ۱۹، دوست ندارم اینجا متوقف شوم، ولی باید همان‌طور که بر من می‌آید، بگویم. در اعمال باب ۱۹ زمانی که آن واعظ بپتیست که یک روحانی بود و تبدیل شده بود؛ داشت موعظه می‌کرد و قوم را نجات می‌داد و آنها خوشی عظیمی داشتند، شاد بودند و فریاد می‌زدند؛ یک جلسه داشتند. اعمال باب ۱۸.

^{۱۵} اشاره به انجیل متی باب ۲۶، انجیل مرقس باب ۱۴، انجیل لوقا باب ۲۲ و انجیل یوحنا باب ۱۳

آکیلا و پرسکلا... دیشب به آن اشاره کردیم... رفتند تا او را ببینند. آنها می‌دانستند که او مرد بزرگی است. او از طریق کلام اثبات می‌کرد که عیسی پسر خدا بود و تنها تعمید یوحنا را می‌شناخت. او هنوز تعمید روح‌القدس را دریافت نکرده بود. او گفت: "آکیلا و پرسکلا، آن زن و شوهر خیمه دوز." پولس هم خیمه دوز بود و آنها با تعلیم پولس، روح‌القدس را یافته بودند. آنها گفتند: "ما یک برادر داریم که به اینجا می‌آید. بگذار او هم مقداری در این مورد سخن بگوید."

و بعد پولس آمد و موعظه‌ی او را شنید. می‌دانست که او مرد بزرگی است. او گفت: "آیا وقتی ایمان آوردید، روح‌القدس را یافتید؟"

آنها گفتند: "بلکه نشنیدیم روح‌القدس هست."

پولس گفت: "پس به چه تعمید یافتید؟" عبارت یونانی آن چگونه است.

آنها گفتند: "به تعمید یحیی تعمید یافتیم."

۶۲. حال ببینید که پولس چه پاسخی داد. او گفت: "یحیی البته تعمید توبه می‌داد و نه آموزش گناهان. بلکه تعمید توبه و می‌گفت: «این همان است که وقتی عیسی را بعنوان نجات دهنده خود می‌پذیرید به آن ایمان دارید.» شما به تعمید روح‌القدس ایمان دارید."

وقتی مسیح را بعنوان نجات‌دهنده‌ی شخصی خود می‌پذیرید، برای تعمید روح‌القدس ایمان می‌آورید. ولی این تعمید روح‌القدس نیست، برادران باپتیست من! این اشتباه است.

۶۳. یک روز برادری به ما گفت: "برادر برانهام!... یا شاید هم مدتی پیش، مثلاً چند ماه پیش بود. او گفت: "برادر برانهام! ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او عدالت محسوب گشت."

گفتم: "درست است."

گفت: "انسان چه کاری بیش از ایمان می‌تواند انجام دهد؟"

۶۳. گفتم: "این تمام کاری است که یک انسان می‌تواند انجام دهد. تمام کاری که امروز می‌تواند انجام دهد، این است که به خدا ایمان داشته باشد. ولی خدا به او مَهر ختنه را داد به عنوان نشانی که او در ایمان پذیرفته شده است." که دیشب به آن پرداختیم و امروز...

وقتی شما او را به عنوان نجات دهنده‌ی خود می‌پذیرید، به او ایمان دارید. ولی وقتی خدا مَهر روح‌القدس را به شما می‌دهد، او شما را برای مقصد ابدی مَهر نموده است. حال شما باپتیست‌ها، آن را برگیرید و من با شما به امنیت ابدی می‌آیم. بله آقا! "روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختون شده‌اید، محزون مسازید." شما با ایمان داشتن مَهر نشده‌اید، بلکه به روح‌القدس مَهر شده‌اید. افسسیان ۴:۳۰ می‌گوید: "روح قدوس خدا را که به آن تا روز رستگاری مختون شده‌اید، محزون نسازید." این شما را مَهر می‌کند، وقتی نزد او التفات یافتید، و او شما را به روح‌القدس مَهر نمود.

این گونه است، چون کتاب مقدس می‌گوید: "احدی جز به روح‌القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت."^{۱۶}

۶۴. می‌گویید: "من ایمان دارم، چون شبان گفته است." او درست می‌گوید. ولی این برای شما محسوب نمی‌گردد و فایده‌ای ندارد، بلکه "ایمان دارم، چون کلام می‌گوید." درست است. ولی این برای شما نیست. برای شما محسوب نمی‌شود.

تنها راهی که می‌توانید بگویید که عیسی، مسیح است. زمانی است که روح‌القدس بر شما می‌آید، میوه داده و خود شهادت می‌دهد که «او پسر خداست». این تنها راهی است

که قیامت و قیام را می‌شناسید، یعنی زمانی که روح‌القدس میوه می‌آورد، "چون روح‌القدس آید بر من شهادت می‌دهد، چیزهایی که باید بیاید را نشان می‌دهد و چیزهایی که به شما گفتم را به یاد شما می‌آورد." ^{۱۷} هرگز این را در یک مدرسه پیدا نمی‌کنید. می‌بینید؟ او این چیزها را بخاطر شما می‌آورد.

۶۵. حال می‌خواهیم یک بار دیگر کلام را بخوانیم. یوحنا ۱۴:۱۲.

"آمین آمین به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگ‌تر از اینها..."

که بیشتر ترجمه‌ی درست آن، این است. اگر می‌خواهید مقایسه کنید...

"و بزرگ‌تر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم."

۶۶. او نزد پدر رفت و روح‌القدس آمد. درست است؟ یک بخش دیگر می‌گوید: "گر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، دوباره نزد شما باز می‌گردم و با شما در شما خواهم بود." ببینید، این خدا با شما است. ابتدا فوق از شما، با شما در مسیح، در شما در روح‌القدس، خدا در شما.

۶۷. حال، "اعمالی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد." نه یک عمل دیگر. بلکه خدا می‌خواهد روح‌القدس را در شما بیاورد تا همان کاری را که در مسیح می‌کرد، ادامه دهد.

در دوران لوتر خیلی نیازمند نبود، این کلیسای خدا بود. اما در دوران وسلی نیازمندتر بود.

زیرا چنان که کتاب مقدس می‌گوید: "جهان سست‌تر، خردمندتر و نابکارتر از تمام

^{۱۷} اشاره به انجیل یوحنا باب ۱۵

دوران می‌گردد." ما... اکنون جهان بیش از هر زمان دیگری در شرارت است... این را می‌دانم. چرا که انسان اکنون کارهایی را انجام می‌دهد که صد سال قبل تصور آن نمی‌رفت که یک انسان آن‌قدر ستمگر باشد. "شوروتر از تمام دوران، و شوروران شرارت ورزند." کتاب مقدس گفته است: "بیشتر و بیشتر".

۶۸. روح القدس در حرکت بوده است. نسیمی از آن با لوتر بود. نسیمی بیشتر با وسلی و یک نسیم قوی‌تر با پنطیکاست. آن دم و روح یک شده‌اند. او، کلیسا، در حال یکی شدن و در حال ثمر دادن است. همان وزش قدرتمند روح القدس است. چنان‌که او در گذشته انجام می‌داد، و در حال ظاهر نمودن همان اعمالی است که در گذشته انجام می‌داد و امروز نیز ظاهر می‌شود. همان اعمال.

۶۹. ببینید که عیسی چه گفت: "آمین آمین به شما می‌گویم که پسر از خود کاری نمی‌کند، مگر اینکه پدر آن را نشان دهد." پدر هر کاری می‌کند، به پسر نشان می‌دهد. پدری که در من ساکن است، اوست که این اعمال را انجام می‌دهد. می‌بینید؟

۷۰. حال توجه کنید، اینجا یک چیز دیگری هست که می‌خواهم الآن بگویم. همان‌طور که عیسی گفت: "چنان‌که پدر من را فرستاد..." چنان‌که، حال ببینید: "چنان‌که پدر من را فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم." چنان‌که پدر... پدر چگونه او را فرستاد؟ پدری که او را فرستاد، پایین آمد و در او ساکن شد.

او پیش رفت. گفت: "همیشه کاری را انجام می‌دهم که پدر من را خشنود سازد." می‌بینید؟ او می‌خواست اعمالی را انجام دهد که پدر به او نشان می‌داد. "کاری نمی‌کنم، مگر اینکه ابتدا پدر آن را به من نشان دهد." خدایی که او را فرستاد، در درون او بود. "و چنان‌که پدر من را فرستاد" (به همان صورتی که پدر من را فرستاد.) "من نیز شما را می‌فرستم." این چیست؟ خدا در شما چه کاری انجام می‌دهد؟ همان اعمال همان.

عیسی گفت: "هر که ایمان آورد..." او که مرا در خود دارد. روح‌القدس را. هر که ایمان آورد، که اینک شاهد رستاخیز من بوده و بداند که من در او هستم... او که در من است. اگر در من بمانید، کلام من در شما بماند.

۷۱. حال، شما می‌گویید: "من در عیسی می‌مانم، ولی قطعاً به شفای الهی ایمان ندارم." این نشان می‌دهد که او آنجا نیست.

۷۲. "من به عیسی ایمان دارم، ولی به روح‌القدس در این دوران ایمان ندارم. نه به آن صورتی که در آن دوران بود." این نشان می‌دهد که او اینجا نیست.

۷۳. روح‌القدس به هر کلامی که از آن سخن رفته، شهادت می‌دهد. او دروغگو نیست. او از هیچ کس و هیچ تشکیلاتی هراسان نیست. او مجبور نیست که بخاطر کسی کوتاه بیاید. او می‌گوید و با آن کلام می‌ماند.

اگر تحصیل‌کردگان و بلند مرتبه‌ها و یا چنان که ما می‌گوییم، با نفوذها نخواهند که او را بپذیرند، "خدا قادر است تا از این سنگ‌ها برای ابراهیم فرزندان بسازد."^{۱۸} او گانگسترها و قاچاقچی‌ها و هر کس دیگر را گرفته و آنها را بلند خواهد نمود. خدا می‌تواند این کار را بکند و در حال انجام آن است. "خدا قادر است از این سنگ‌ها برای ابراهیم فرزندان بسازد." یک نفر می‌خواهد این کار را بکند. زیرا او خدا است.

۷۴. "اگر در من بمانید و کلام من در شما، هر آنچه می‌خواهید، بطلبید." زیرا شما کلام او را می‌طلبید و کلام او حیات است. این را به زبان بیاورید. اگر خدا این را گفته و شما اطمینان دارید که گفته است، روح‌القدس چیزی را ثمر می‌دهد که درست است. برادر! بگویید، پس انجام می‌شود. "اگر به این کوه گوئید منتقل شو و در دل خود شک نداشته باشید، بلکه یقین دارید که آنچه گوئید می‌شود، هر آینه هر چه گوئید به شما عطا شود."

^{۱۸} اشاره به انجیل متی ۹:۳ و انجیل لوقا ۸:۳

[برادر برانهام سه بار دست می‌زند.] این شما نیستید که سخن می‌گویید، بلکه پدری که در شما ساکن است. اوست که سخن می‌گوید. این شما نیستید که با کوه تکلم می‌کنید، پدری که در شما ساکن است به کوه می‌گوید که منتقل شود. او گفت: "آسمان و زمین زائل شوند. اما روح من، یا کلام من تا ابد باقی است." قطعاً این نمی‌تواند زائل شود.

۷۵. حال، "کارهایی را که من می‌کنم..." خدا در کلیسای خویش است تا کار خود را ادامه دهد. بخاطر همین است که او روح القدس را فرستاد. او این را می‌دانست. اوی می‌دانست که آن‌گونه انجام نخواهد شد، پس باید آن را می‌فرستاد. حال پدر، پسر را فرستاد. تمام آنچه در پسر بود را در شما قرار دهد. و همان کارهایی را که او کرد، عین همان اعمالی را که عیسی انجام داد، شما نیز انجام خواهید داد، یعنی کلیسا.

آیا نمی‌خواهید اعمال خدا را بجا آورید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] عیسی گفت به من ایمان بیاورید. چطور به او ایمان دارید؟ نمی‌توانید این کار را انجام دهید، تا زمانی که روح القدس را بیابید.

۷۶. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که او پسر خداست، مگر به روح القدس. شما چیزی را می‌گویید که کسی دیگر گفته است. "کتاب مقدس گفته است که او پسر خداست. من به کتاب مقدس ایمان دارم." بسیار خوب. "کتاب مقدس می‌گوید که او پسر خداست. من به کتاب مقدس ایمان دارم." "شبان می‌گوید که او پسر خداست. من به شبان ایمان دارم." "مامانم گفته است که او پسر خداست. من به مامانم ایمان دارم." "دوستم می‌گوید که او پسر خداست. من به دوستم ایمان دارم."

ولی تنها زمانی که می‌توانم بگویم او پسر خداست، زمانی است که روح القدس بر من آمده و بر آن شهادت دهد. آن وقت می‌دانم که او پسر خداست. [برادر برانهام چهار بار بر روی منبر می‌زند.] هیچ‌کس نمی‌تواند عیسی را «مسیح» بخواند، مگر به روح القدس.

۷۷. هیچ انسانی نمی‌تواند به روح صحبت کند و عیسی را ملعون خواند یا بگوید عیسی در آن دوران چیزی دیگر بود و در این دوره چیزی دیگر است. همین است که او را سست و لغزش پذیر می‌سازد. خیر آقا!

او دیروز، امروز، و تا ابدالابد همان است. هر روح راستینی بر آن شهادت می‌دهد. بسیار خوب.

۷۸. حال، او گفت: "اعمالی را که من می‌کنم، شما نیز خواهید کرد." یوحنا ۱۴:۱۲. حال، همان کارها.

اوه! آنها می‌گویند: "کلیسا امروز کاری بزرگ‌تر انجام می‌دهند." به کدام طریق؟ او گفت: "اعمالی که من بجا می‌آورم."

آنها می‌گویند: "ما میسیونرها را در سرتاسر جهان داریم، این کار عظیمی است."

۷۹. ولی عیسی گفت: "کارهایی را که من می‌کنم." حال، آنها را انجام دهید. ابتدا آنها را انجام دهید، سپس در مورد میسیونرها صحبت کنید.

۸۰. امروز... چند وقت پیش اینجا در مورد یک مسلمان صحبت می‌کردم. او گفت: "محمد مرده است."

او گفت: "درست است. اما روزی خواهد برخاست. اگر او از گور برخیزد، تمام دنیا ظرف ۲۴ ساعت این را خواهند فهمید. شما می‌گویید که عیسی دو هزار سال پیش قیام کرده است. ولی هنوز یک سوم دنیا هم این را نمی‌دانند."

این بخاطر آن است که شما با یک منظر عقلانی از آن صحبت می‌کنید. شما از یک نقطه نظر علمی به آن می‌پردازید.

اگر تمام اینها، کلیسای بزرگ خدا، با احتساب کاتولیک‌ها، پنطیکاست و تمام آنها با هم، اگر روح‌القدس را می‌یافتند، این جهان یکپارچه در مسیحیت می‌بود. دیگر چیزی به نام کمونیسم وجود نداشت. دیگر چیزی به نام جنگ، نزاع، دشمنی و تنفر وجود نداشت. عیسی بر تخت سلطنت خود می‌نشست. آن وقت ما با یک حیات ابدی، در بهشت خدا گام برمی‌داشتیم. اکنون در یک بدن تازه قیام کرده بودیم و قدم می‌زدیم. هرگز پیر نمی‌شدیم. بدون هیچ بیماری، بدون گرسنگی، در حضور خدا با شادی خدا راه می‌رفتیم. با حیوانات حرف می‌زدیم و... او چه روزی! ولی ما هر کاری کردیم، به جز آنچه که او گفته است. او...

۸۱. او گفت: "پس رفته در تمام عالم به انجیل موعظه کنید." ^{۱۹} انجیل چه می‌کند؟ نه فقط با حرف، بلکه با قوت و نمایش قوت روح‌القدس. انجیل، ظاهر ساختن کلام خداست.

۸۲. شما نمی‌توانید این کار را بکنید. حال عیسی این را می‌دانست که باید در کلیسای خویش زیست کند.

بنابراین، او می‌دانست که ما مدارس عقلانی خواهیم داشت و شما هرگز در چنین جایی به او نمی‌رسید. آنها بر علیه آن هستند. زیرا تمام چیزی که آنها می‌دانند، چند تعلیم انسانی است. چند اعتقادنامه‌ی فرقه‌ای که می‌خواهند با آن زیست کنند. آنها شما را در آن قرار داده و عضوی از آن می‌سازند. و برادر! چیزی را توسط اعتقادنامه به شما می‌گویند که شاید کامل به نظر برسد. می‌گویند: "کلیسای بزرگ مقدس، مادر، در برابر ضربات زیادی ایستاده است." شیطان هم همین‌طور است. او از هر جایی بیرون انداخته شده و همچنان به همان صورت در حال پیشروی است. بله آقا! آنها تلاش می‌کنند تا این را بازگو کنند.

^{۱۹} اشاره به انجیل مرقس ۱۵:۱۶

۸۳. پس عیسی می‌دانست که یک دوره‌ی عقلانی، درست مانند ایام خودش خواهد بود که فقط به شستن ظروف و پیاله‌ها توجه دارد. این تمام کاری است که آنها انجام می‌دهند. به همین دلیل او گفت: "صبر کنید، شما را تنها و یتیم نمی‌گذارم، دوباره می‌آیم تا با شما باشم." بنابراین... او گفت: "اعمالی را که من بجا آوردم، شما نیز بجا خواهید آورد."

۸۴. هدف خدا از فرستادن روح‌القدس این بود که بتواند با گروهی از قوم به کارهای خویش ادامه دهد. تا خدا را بر دنیا آشکار سازد. دقیقاً این‌گونه است. نه از طریق یک اعتقادنامه، نه توسط یک فرقه، بلکه با قوت قیامش، با تحقق بخشیدن کلامش، با گرفتن وعده و ایستادن در کنار اقلیت با ایمان به خدا و دیدن اینکه آسمان‌های سیاه به عقب می‌روند و قوت خدا وارد شده و غالب می‌آید. آمین! این چیزی است که او می‌خواهد. این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش فرستاده شد. این آن هدفی است که روح‌القدس برایش فرستاده شد.

۸۵. بنابراین، هیچ خون دیگری نمی‌توانست قوم را تقدیس نماید. من نمی‌توانستم شما را تقدیس کنم و شما هم نمی‌توانستید من را تقدیس کنید. زیرا همه‌ی ما بعد از یک عمل جنسی متولد شده‌ایم. ولی عیسی بدون عمل جنسی متولد شد. درست است. خون او تقدیس‌کننده بود. خدا پایین آمد، یک جسم بر گرفت، در آن زیست کرد و آن خون را به جهت تقدیس نمودن، ریخت؛ که کاملاً گناه و عار را دور کرد. سپس از طریق ایمان، ذریت ابراهیم را می‌سازد.

۸۶. ایمان به اینکه آن خون می‌آید، آن خون خالص که مانند این خون معجزه خواهد بود، بعد از اینکه «مانند مردگان بود»، در آنجا راه می‌رود. او ۲۵ سال به خدا ایمان داشت. هفتاد و پنج ساله بود که به خدا ایمان آورد و تا صد سالگی ایمان داشت، ساره نیز شصت و پنج ساله بود و تا نود سالگی ایمان داشت. و او نیز «مانند مردگان بود».

و خدا گفت: "فرزندت را به بالای کوه بیاور و بعنوان قربانی تقدیم کن."

۸۷ او به مستخدمین خود گفت: "شما اینجا در کنار الاغها بمانید. من و پسر برای عبادت می‌رویم، و من و پسر باز می‌گردیم." او چگونگی می‌خواست این کار را انجام دهد؟

ابراهیم گفت: "من او را در زمانی که مانند مردگان بودم، یافتم و می‌دانم آنکه او را وقتی چون مردگان بودم به من بخشید، قادر است او را از مرگ برخیزاند. اگر من کلام او را حفظ کنم." حفظ، من کلام او را حفظ می‌کنم. او قادر است تا فرزند مرا از مرگ برخیزاند.^{۲۰}

۸۸ این کاملاً از مسیح صحبت می‌کند، اینهاش و از طریق آن سلول خونی، روح‌القدس پیش آمد، تا خویش را در بدنی که عیسی خوانده شد، مقید نمود. آن خون از طریق ایمان، راهی را تقدیس نمود تا برگزیدگان خدا و نجات یافتگان را بخواند. بعد وقتی پذیرفته باشید، آن وقت روح‌القدس تمام ضعف‌ها را از شما برداشته، وارد می‌شود. خود خدا. تا اراده‌ی خویش را به عمل بیاورد.

۸۹ در اینجا، جایی که همه در ضعف قرار دارند و فلانی و فلانی در حال انجام چنین و چنان است و دیگری برضد آن صحبت می‌کند. اما کسی که با روح‌القدس پر شده، در برابر آن قرار خواهد گرفت. آمین!

۹۰ توجه‌ها به آن جلب شد. آنها مردم عادی و فاقد تحصیلات بودند. ولی دیده شد که آنها با عیسی بودند. این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش آمد.

۹۱ یک ماهیگیر که حتی قادر نبود اسم خود را بنویسد. ولی او آنجا ایستاد و گفت: "ما

باید به که ایمان داشته باشیم؟ خدا یا انسان؟ "آمین! [برادر برانهام یک‌بار دست‌هایش را برهم می‌زند]. پس بر شما معلوم باد که ما همچنان در نام عیسی موعظه می‌کنیم. آه چه شهادتی! او می‌دانست که منزلی در آن فراسو دارد. درست است او در اینجا یک بیگانه و یک مسافر بود. او در انتظار شهری بود که می‌آید.

آن کاهن ریاکار برای او چه معنایی داشت؟ او تحت تسلط و اقتدار خدای آسمان بود که فرزند خویش را بر خیزانید، مسیح عیسی. و او را از روح‌خدایی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، پر نمود. بفرمایید. او از آن کاهن نمی‌ترسید. نه آقا! مرگ ...

۹۲. وقتی آنها استیفان را در آنجا بلند کردند، گفتند: "حرفت را پس بگیر." ۲۱

او گفت: "شما که در قلب و گوش خود نا مختون هستید، همیشه در برابر روح‌القدس مقاومت می‌کنید. چنان‌که پدرانتان کردند، شما می‌کنید!"

آنها گفتند: "تو را خواهیم کشت."

او گفت: "نمی‌توانید این کار را بکنید. اگر..."

"نشانت خواهیم داد که می‌توانیم یا نه." و سنگ‌های بزرگ جمع‌آوری کردند و شروع نمودند به سنگسار نمودن او...

۹۳. او به بالا نگاه کرد و گفت: "اینک آسمان را گشاده می‌بینم. پلکانی را می‌بینم که پایین می‌آید. عیسی را می‌بینم که به دست راست جلال خویش ایستاده است." و کتاب مقدس نمی‌گوید که او مرد. او به خواب رفت. اوه خدای من! می‌توانم ببینم که یک فرشته پایین آمد و او را در آغوش گرفت. درست مانند یک کودک، یک مادر، تا او بخواب فرو رفت. اوه خدای من! مطمئناً.

۹۴. این هدف روح القدس است و این چیزی است که روح القدس بخاطرش فرستاده شد. روح القدس می آید تا به شما قوّت ببخشد. چند بخش دیگر از کلام را اینجا دارم. روح القدس می آید تا به شما قوّت ببخشد... من... نمی توانید پیدایش کنید، امشب خیلی پیوسته حرف زدم...

می آید تا به شما قوّت ببخشد، قوّت در دعا.

۹۵. خانمی را می بینید که زندگی خوبی دارد. ولی همیشه مغلوب است. "اوه! بگذار بگویم که... " یک فرد خوب... "اوه! حتماً برادر برانهام! من خداوند را دوست دارم." همیشه مغلوب، هرگز حتی پاسخ یک دعا را هم نمی گیرند.

حال اگر همان فرد یک بار به روح القدس پر شود، ببینید که چه اتفاقی می افتد. وقتی به حضور خدا می رود، دیگر مغلوب نیست. او با دلیری به تخت خدا نزدیک می شود، با ایمان. او یک حقی دارد. زیرا از طریق یک تولد تازه او دختر خداست.

مردی را در نظر بگیرید که ترسو است و هر روز رئیسش او را تحقیر می کند. می گوید: "یک دقیقه دقیقه صبر کن. یک چیزی تغییر کرده است." می بینید؟ او روح القدس را یافته است. او به شما قوّت می دهد. زندگی شما پر از قوّت است.

او به شما قدرت سخن گفتن می دهد.

۹۶. چرا که، اگر آن افراد می ترسیدند که آنجا بمانند؛ پطرس، یعقوب، یوحنا، لوقا و تمام آنها. اگر آنها به اطاق بالاخانه رفته بودند و می گفتند: "اوه! دیگر نمی توانیم. ربّی فلان و فلانی آنجاست. دکتر فلان و فلانی آنجاست. می دانی، او چهار مدرک دانشگاهی دارد. چطور می خواهیم در برابر آنها مقاومت کنیم؟" پطرس گفت: "اوه! یادم می آید که یک روز به آن مرد ماهی می فروختم. او صحبت می کرد و من حتی

نمی‌دانستم در مورد چه صحبت می‌کند. او! هرگز نمی‌توانستم در برابر او مقاومت کنم. ولی برادران اکنون چه کاری می‌توانیم بکنیم؟"

او گفت: "صبر کنید."

"ولی ما چهار روز اینجا بوده‌ایم."

"فقط صبر کنید."

"چه مدت؟"

"تا وقتی که..."

"خوب او گفت که این در روز پنجم خواهد بود؟"

"او هرگز نگفت چه مدت؟ او گفت: «تا وقتی که...» پس آنها منتظر ماندند. "چه مدت؟"

"تا وقتی که..."

"هشت روز گذشت."

"تا وقتی که..."

"نه روز گذشت."

"تا وقتی که..."

"و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک‌جا بودند."

۹۷. خدا در یک ابر آتشین فوق از ایشان بود. خدا با ایشان روی زمین راه رفته بود. حال، چیز جدیدی می‌خواهد رخ دهد. چیزی در حال وقوع است.

"^۱ و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک‌جا بودند. ^۲ که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت. ^۳ و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش به ایشان ظاهر گشته، بر هر یکی

از ایشان قرار گرفت." ۲۲

می‌دانید منقسم یعنی چه؟ «تکه تکه». مثل لکنت. تا بحال کسانی را که لکنت زبان دارند، دیده‌اید؟ آ، آ... [برادر برانهام مثل کسی که لکنت زبان دارد، صحبت می‌کند.] می‌بینید؟ آنها هیچ نمی‌توانند بگویند. «زبان‌های منقسم شده» یعنی چیزی که تکه تکه و بخش بخش است. آنها در حال صحبت کردن نبودند. در حال هیچ کاری نبودند، جز اینکه صدایی ایجاد می‌کردند.

زبان‌های منقسم شده، چنان که در آتش بود بر ایشان قرار گرفت. (اوه! آنها نمی‌توانستند خود را کنترل کنند.) و تمام ایشان از روح القدس پر شده بودند.

۹۸. بعد چه اتفاقی افتاد؟ آنها به خیابان‌ها رفتند. "رَبِّی جونز کجاست؟ آن مرد کجاست؟ آن غول خردمندی کجاست؟"

خدا بالا سر ما بود، با موسی در بوته‌ی آتش، او از بالا ما را به من خوراک داد. او سه سال با ما راه رفت یا سه سال و نیم. ولی او اکنون در من است. این من نیستم که حرف می‌زنم، بلکه اوست. من می‌دانم که او کیست. او می‌داند که من هستم. دیگر من نیستم. بلکه اوست.

ای مردان اسرائیلی و شما که در یهودا ساکن هستید! بر شما معلوم باد و کلام مرا گوش فراگیرید. تمام شما رَبِّی‌ها و واعظین... قوَّت سخن گفتن من. اوه!

"اینها مست نیستند." او به نمایندگی از آن اقلیت صد و بیست نفر در برابر آن هزاران نفر ایستاده است.

قوَّت تکلم. "اینها مست نیستند." آن اقلیت کوچک صد و بیست نفره در برابر بیش از هزار نفر ایستاده‌اند.

"اینها مست نیستند چنان که شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است."

من یک واعظ انجیل تام هستم. "بلکه این چیزی است که به زبان یوئیل نبی گفته شد، بعد از آن روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت و..." مریم را آن بیرون می‌بینید که در روح می‌رقصد، به زبان‌ها صحبت می‌کند و این کارها را انجام می‌دهد.

"بر تمام بشر خواهم ریخت، بر غلامان و کنیزان نیز از روح خود خواهم ریخت." [برادر برانهام یک‌بار کف می‌زند.] "نشانه‌های حیرت‌انگیزی از خون، آتش و ستون‌های دود، در آسمان و زمین ظاهر خواهم کرد." می‌بینید؟ خدا در قوم خویش بود. آمین!

"خوب حالا، چه مدرکی داشتید؟ چه؟ کدام؟ از کدام دانشگاه آمده‌اید؟"

۹۹. "الآن این هیچ فرقی نمی‌کند." او! او شروع کرد به ریختن کلام.

داود او را از پیش دیده بود... "خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد. از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید؛ جسمم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد. زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند."^{۲۳}

داود پاطریارخ هم مرد و هم دفن شد و گور او امروز با ماست. ولی با یک نبوت. او آمدن آن یگانه را از پیش دید.

و بر شما معلوم باد که خدا، همان عیسی که شما او را بدست گناهکاران به صلیب کشیده و کشتید، خداوند و مسیح گردانید. آمین!

۱۰۰. ای برادران! حال چه کنیم تا نجات یابیم؟

او گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند. یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند. "آمین!"

۱۰۱. مادامی که خدا قومی دارد، مادامی که کلیسایی دارد، روح القدس در آن کار می‌کند. این چیزی است که روح القدس بخاطرش داده شده. اندیشمندان بلند می‌شوند. همیشه بلند می‌شوند. ولی خدا یک اقلیتی در یک جایی دارد. خدا کلیسای کوچکی دارد که با تعمید روح القدس به حرکت ادامه خواهد داد تا در نور باشد. و آنان کسانی خواهند بود که با شهامت خویش دنیا را داوری خواهند نمود.

آیا کتاب مقدس از زبان عیسی نگفته است که: "خوشبحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید." و در دیگری می‌گوید: "مقدسین، دنیا را داوری خواهند نمود." [جماعت می‌گویند: "آمین!" قطعاً.]

امروز شهادت شما بر علیه این شهر، داوری بر پا خواهد نمود. شهادت ما از تعمید روح القدس و قوت خدا، یک زندگی مقدس، بر علیه این شهر داوری خواهد نمود. وقتی...

۱۰۲. سپس آنان که اولین بودند آخرین خواهند بود و آنانی که آخرین بودند، اولین خواهند بود.^{۲۴} من چیزی در مورد مودی و سنکی در قیامشان نمی‌دانم.^{۲۵} آنها نیز چیزی درباره‌ی من نخواهند دانست. ولی من در این مورد خواهم ایستاد تا شهادت بدهم. شما هم همین‌طور.

آنها از این طریق، با پراکنده شدن نور شما و تعمید روح القدس، با نوع حیاتی که در آن

^{۲۴} اشاره به انجیل متی باب ۱۹ و ۲۰، انجیل مرقس باب ۱۰ و انجیل لوقا باب ۱۳
^{۲۵} Sankey, Moody منظور افرادی با هر اسمی

زیست می‌کنید و با اعمالی که خدا انجام داده تا اثبات کند که اینجا در حال حرکت است و با آن روشنفکرانی که از این فاصله گرفتند، توسط مقدسین داوری خواهند شد. آنها اکنون داوری شده‌اند. آنها اکنون از آن عبور نموده‌اند.

۱۰۳. اوه خدای من! من از قدرت دعا، قدرت کلام، قوت یک حیات پاک و مقدس صحبت می‌کنم. این کاری است که روح‌القدس انجام می‌دهد.

۱۰۴. بعضی از شما مدام می‌گویید: "نمی‌توانم نوشیدن مشروب را ترک کنم. نمی‌توانم آن را کنار بگذارم."

روح‌القدس می‌آید و در شما ساکن می‌شود تا تمام اینها را انجام دهد. «نمی‌توانم‌ها» را از شما دور می‌کند. درست است. باعث می‌شود تا زنان، موهای خود را کوتاه نکنند. از پوشیدن لباس‌های کوتاه دست بکشند. بدون بهانه. باعث می‌شود که آنها از غیبت دست بردارند. اوه بله! این کاری است که روح‌القدس انجام می‌دهد. زندگی شما را پاک و مقدس می‌سازد و همیشه مطابق تعلیم کتاب مقدس عمل می‌کند.

۱۰۵. زنان می‌گویند: "هوا خیلی گرم است، من باید این‌گونه لباس بپوشم. اگر موهایم را بلند کنم، سردرد می‌گیرم."

ولی اینها برای روح‌القدس هیچ توجیهی وجود ندارد. روح‌القدس اینجاست تا این کار را انجام دهد. زیرا دقیقاً کلام را جاری می‌سازد. این کاری است که روح‌القدس انجام می‌دهد. یعنی باعث می‌شود که شما روی خود را از آن زنان نیمه برهنه برگردانید و دست از نگاه شهوت‌انگیز به آنها بردارید. بله اعضای کلیسا! این کاری است که انجام می‌دهد.

۱۰۶. این برای آن است که شما از سیگار کشیدن، نوشیدن مشروب و... اینکه بخواهید

فرد بزرگی باشید، دست بکشید. این است که تمام این چیزها را از شما بیرون می‌کشد. باعث می‌شود که شما فروتن باشید. این کاری است که روح‌القدس انجام می‌دهد. تا دست از غیبت کردن بکشید. دست از قمار، ورق بازی و تمام این قبیل کارها که در اطرافتان شاهد آن هستید، بردارید.

باعث می‌شود از چیزهایی که باعث می‌شود نسبت به همسران نادرست باشید، دست بکشید. این کاری است که انجام می‌دهد. درست است. باعث می‌شود با همسر کسی دیگر ازدواج نکنید. کاملاً درست است.

این چیزی است که هست. باعث می‌شود یک زندگی مقدس داشته باشید. این همان قوت روح‌القدس است، که باعث می‌شود تأثیرپذیری شما از آسمان باشد. یعنی جایی که خدا... فکر مسیح در شما باشد. شما نمی‌توانید دیدن این قبیل چیزها را متوقف کنید. نمی‌توانید وقتی آن را می‌بینید، روی خود را برگردانید. درست است. این برای آن است که...

۱۰۷. می‌گویید: "نمی‌توانم. او! نمی‌توانم این کار را انجام دهم." قطعاً نمی‌توانید.

ولی روح‌القدس برای این کار می‌آید. این کاری است که انجام داد. آمد تا تمام این چیزها را از وجود شما خارج کند. تمام آن رفتارها و عادات قدیمی که انجام می‌دهید.

آن طعنه‌های قدیمی، دور شدن‌ها با گفتن اینکه: "جلال بر خدا! من یک متدیست هستم. هیچ کاری با آن دین خروشان ندارم." روح‌القدس می‌آید تا این را از وجود شما خارج کند.

۱۰۸. "من یک باپتیست هستم." "من پرزبتری هستم. نمی‌توانم به سراغ آن دین خروشان عقب افتاده بروم." روح‌القدس می‌آید تا تمام این چیزها را از شما بیرون

بکشد. این چیزی است که هست. یعنی شما را به خون می‌شوید. این کاری است که به خاطرش می‌آید.

می‌آید تا شما را قوت ببخشد. او گفت: "افتادگان را قوت بخشید." این چیزی است که بخاطرش می‌آید، تا افتادگان را بلند کند و با کوه‌ها کاری کند که گویی مانند گله‌ی گوسفندان در حال رقص هستند و تمام برگ‌ها در حال دست زدن. [برادر برانهام شروع به دست زدن می‌کند.] پرندگان برای شما نغمه‌های مختلف سر می‌دهند. این کاری است که برای انجام آن آمده است. این هدف خدا از فرستادن روح‌القدس است، تا بتوانید این کارها را انجام دهید. تا بتوانید به دنبال او گام بردارید.

۱۰۹. قصد ناراحت کردن شما را ندارم. بلکه به شما گفته‌ام. با تمام قلبم و صادقانه با شما صحبت می‌کنم تا شما در تنگنا قرار نگیرید. هر از چند گاهی از یک خط عبور می‌کنم، ولی با حقیقت می‌مانم. ولی ماندن با حقیقت و عمل به آن، شما را خیلی در تنگنا قرار نخواهد داد.

۱۱۰. اما می‌خواهم چیزی به شما بگویم. اگر کتاب مقدس می‌گوید که زن نباید موی سر خود را کوتاه کند و شما می‌گویید که روح‌القدس را یافته‌اید و باز موی خود را کوتاه می‌کنید، شک دارم که آن را یافته باشید. عصبانی نشوید. اگر هنوز چنین است، نشان دهنده‌ی این است که کماکان یک نشانه‌ی غلط در شما وجود دارد.

۱۱۱. اگر کتاب مقدس می‌گوید زن نباید لباسی را بپوشد که متعلق به مرد است و شما لباس‌های مردانه را در خیابان‌ها می‌پوشید... شما خانم‌های بالغ! ولی نگاه کنید، وقتی شما زنان بالغ... پانزده، شانزده، هجده ساله و حتی مادر بزرگ‌ها این کار را می‌کنید... کتاب مقدس می‌گوید در نظر خدا این رجاست که یک زن این چیزها را بپوشد و شما باز آنها را می‌پوشید. بعد می‌گویید روح‌القدس را یافته‌اید؟ بعضی اوقات در شگفت

می‌شوم. روح‌القدس کلمه به کلمه کلام خدا را دنبال خواهد کرد. و یک واعظ پشت منبر که به اندازه‌ی کافی فیض نیافته تا آن را موعظه کند، شک دارم که آن را یافته باشد. خوب، روح‌القدس برای همین است.

۱۱۲. این برای تدهین واعظ است. برای تقدس دادن به گروه است. برای قرار دادن کلیسا در مسیر، برای آوردن اتحاد در روح است. برای آن است که ما را با قدرت متحد سازد. برای آن است که در محبت ما را متحد سازد، محبت برادرانه.

اگر همه به یک روح‌القدس در یک بدن تعمید یافته باشیم و اعضای بدن عیسی مسیح شده باشیم... اهمیتی نمی‌دهم که شما متدیست، باپتیست، پرزبیتری، لوتری یا هر چیز دیگری باشید. نه چیزهای حال، نه چیزهای آینده، نه گرسنگی و نه سختی نمی‌تواند ما را از محبت خدا، از محبت مسیح، محبتی که خدا در مسیح به ما دارد، جدا سازد. زیرا ما به روح او مولود و در خون او شسته شده‌ایم. ما یک خلقت تازه هستیم. این کاری است که خدا آمد تا انجام دهد. این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش فرستاده شد. بله آقا!

۱۱۳. حال، به من نگاه کنید. دست‌های بسیاری بالا رفت که شما روح‌القدس را داشته‌اید. می‌بینید؟ بله، حتماً همین‌طور است. من، من چند لحظه‌ی دیگر از وقت شما را خواهم گرفت. این ضبط می‌شود. ولی فردا شب می‌خواهیم بیشتر به آن پردازیم.

اگر بگویید که آن را یافته‌اید و در آن گناهکار باشید، می‌خواهم بدانم که چه چیزی شما را هدایت می‌کند. خدا هرگز شما را به خارج از کلام هدایت نمی‌کند. او شما را با کلام نگاه می‌دارد. زیرا این قانون خود خدا برای کلیسای او، قوم او، برای زنان و برای مردان است.

۱۱۴. خوب، شما می‌گویید: "انجام این کار یا آن کار به من ضرری نمی‌رساند." نمی‌رساند؟ کلام خدا می‌گوید که ضرر می‌رساند.

و اگر روح‌القدس در شماست، شما را دقیقاً به کلام هدایت می‌کند. هیچ بهانه و توجیهی نخواهد بود و خدا توجیه و بهانه برای شما مهیا نمی‌سازد. او هدف و نشانه را مهیا می‌سازد و شما در آن گام برمی‌دارید. همین و بس. این چیزی است که برای همه صادق است. شما وارد همان راه می‌شوید.

۱۱۵. پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرد و عطای روح‌القدس را خواهید یافت." می‌بینید؟ همین است. ما باید به آن برسیم.

۱۱۶. قصد آزدن شما را ندارم. شما را بسیار دوست دارم. ولی برادر! خواهر! آیا متوجه هستید که در ایام آخر و در رستاخیز باید با این نسل از مردم بایستم و برای این کلام داوری شوم؟ روح‌القدس این را نشان می‌دهد و من آن را موعظه می‌کنم. کجا می‌خواهید بایستید؟ چطور می‌خواهید از آن جلوگیری کنید؟ نمی‌توانید دوستان. حال... دست از آن بردارید. هر کاری که انجام می‌دهید، از آن دست بکشید.

می‌گویید: "نمی‌توانم."

پس شما هنوز «می‌توانم» را در خویش نیافته‌اید. وقتی روح‌القدس می‌آید، به شما در برابر دنیا قوت می‌دهد و اگر شما... گوش کنید که او چه گفت: "اگر دنیا و چیزهای دنیا را دوست داشته باشید، به دلیل این است که محبت خدا در شما نیست."^{۲۶} حال، هیچ بهانه‌ای وجود ندارد. او این را هموار می‌سازد و ما باید با آن نشان پیش رویم.

۱۱۷. می‌دانم که فکر می‌کنید حرف‌های من ناخوشایند است. می‌بینید؟ گوش کنید. درست است. حال، خواهر! برادر! با آن پیش بیایید.

۱۱۸. اجازه ندهید که این مدارس و مراکز روشنفکرانه به شما بگویند که اینها سنت‌های قدیمی و از مد افتاده است.

اگر اینها چیزهای از مد افتاده است، پس خدا هم از مد افتاده است. و اگر خدا از مد افتاده است، من هم هستم. آمین! من می‌خواهم مانند او باشم. چرا؟ روح او در من گرسنه و تشنه است و هر چیز متضاد با کلام را...

۱۱۹. اگر مردم بگویند: "اوه، این ایرادی ندارد که کسی برای تفریح ورق بازی کند و یا یکی دو سکه قمار کند." اشکالی ندارد؟ خدا چنین نمی‌گوید.

۱۲۰. "اوه! فقط هر از چند گاهی مشروب بنوشیم و کمی سرخوش بشویم."

ولی خدا می‌گوید: "وای بر او."

۱۲۱. اوه! شما می‌گویید: "اشکالی ندارد برادر برانهام! من، من فقط به یک دلیل موهايم را کوتاه می‌کنم، چون همه‌ی زنان این کار را می‌کنند." برایم مهم نیست که سایر زنان چه کاری را انجام می‌دهند. آنها الگو یا رئیس شما نیستند. اگر شما روح‌القدس را در خود یافته باشید، صرف‌نظر از اینکه دیگران چه می‌گویند و یا چه می‌کنند، تنها او را پیروی می‌کنید.

۱۲۲. "خوب، برادر برانهام! هوا خیلی گرم است و من مجبورم که این لباس‌های چنین و چنان را بپوشم." بگذارید این را به شما بگویم. خواهر عزیز! جهنم از آن هم گرم‌تر است، این کار را نکنید، این را یادتان باشد.

۱۲۳. روح‌القدس همیشه شما را به سمت حقیقت هدایت می‌کند. و حقیقت او کلام است. "کلام من راستی است. هر کلام انسان دروغ و هر کلام من راست است."

و فکرش را بکنید، یک رجاست. می‌توانید این را تصور کنید؟

۱۲۴. گفتن این چیزها برای یک خادم سخت است. ولی گاهی که به این دستشویی‌ها وارد می‌شوم، جایی که... باید از همان‌جا برگردی. این درست... نشانه‌های کثیف روی دیوار. فکر می‌کنم: "چطور ممکن است که مردم این‌قدر زشت رفتار باشند؟" و تعفن... گاهی اوقات وقتی به این مکان‌ها قدم می‌گذارم، فکر می‌کنم، عجب تعفنی! باید این‌گونه بینی خود را بگیرم تا بتوانم دست خود را بشویم. می‌ترسم اگر دستگیره‌ی در را بگیرم، دستم دوباره آلوده شود.

۱۲۵. یک روز که در فرودگاه یا راه‌آهن بودم، به یکی از همین اماکن وارد شدم. گفتم: "اوه! خدای من..."

۱۲۶. و چیزی به من گفتم: "جهان نیز همین‌گونه در نظر خداوند متعفن گشته است." این یک رجاست است.

۱۲۷. و فکر کردم وقتی زنی را می‌بینم که این‌گونه در خیابان‌ها قدم می‌زند و لباس‌های مردانه می‌پوشد، این همان حالتی است که او در نظر خدا می‌آید. این یک رجاست است. این کثیف است و در نظر خدا متعفن گشته است، حتی اگر یکشنبه‌ها به کلیسا برود.

مردی که می‌رود مشروب می‌نوشد، خیانت می‌کند، عاشق پول است، به همسایه‌اش خیانت می‌کند و دست به هر کاری می‌زند تا پول بیشتری در بیاورد و بعد به کلیسا می‌رود و شهادت می‌دهد. رجاست، کثیفی، این کلیسای روشنفکرانه است.

۱۲۸. می‌گویید: "خوب، من عضو کلیسا هستم." بله، و باید به کلیسا تنفس بدهید، پانزده دقیقه، تا تمام شماسان و سایرین، حتی شبان هم سیگار بکشند تا دوباره بتوانید

برگردید و کلیسا را ادامه بدهید. به من بگویید. خودتان را از هر چیز ناپاک جدا سازید.

۱۲۹. "اگر کسی هیكل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد." ^{۲۷} خدا گفته است که این کار را خواهد نمود. و امروز... بیش از نود درصد مرگ و میر از سرطان ریه، بخاطر مصرف سیگار است. اگر بدن خود را آلوده سازید، آن را نابود خواهیم ساخت. ولی آنها بسیار دیو صفت هستند، این گونه رفتار می کنند و این را نمی دانند.

واعظی را می بینید که با چهار مدرک دانشگاهی پشت منبر ایستاده، درحالی که خودش سیگار می کشد. برادر! بگذار یک چیز را به شما بگویم. روح القدس فرستاده شد تا مرد و زن را به خروج از این چیزها فرا بخواند. خودتان را جدا سازید.

عبارت «کلیسا» یعنی «جدا شده»، از میان آنها خارج شوید. کتاب مقدس می گوید: "چیز ناپاک را لمس نکنید، تا من شما را مقبول بدارم و شما را پدر خواهیم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می گوید." ^{۲۸} اوه خدای من! این نیست که فقط بگوییم. بلکه منظور من این است که صادق و راستگو باشیم. بله آقا! چه چیز هولناکی!

۱۳۰. خانم‌ها و آقایان! امروز ما کجا ایستاده‌ایم؟ کجا هستیم؟ باز ایستیم.

۱۳۱. یک شب بعد از سه یا چهار روز دعا کردن روی یکی از صندلی‌های قدیمی نشسته بودم. (باید مطلب را به انتها برسانم.) بعد از سه یا چهار روز دعا کردن به جایی رسیدم که فکر می کردم. اوه، خدای من! و به جایی رسیدم که دیگر نمی دانستم باید چه کاری انجام دهم. با خود گفتم: "خداوند! در پایان راه هستیم و می دانم که من سهل انگاری کرده‌ام. تماس‌هایی داشتم که بروم، بخاطر خسته بودن، انجامش ندادم. می توانم حدس

بزنم که خداوند من هم در آن زمان از نظر جسمی خسته بود. به حدی که نمی توانست قدم از قدم بردارد. ولی زمانی که دید آن یگانه پسر پیر زن نائینی را برای دفن کردن می برند، ایستاد تا با اندک قوتی که در او بود، آن پسر را از مرگ برخیزاند. خوب، من چقدر خسته شدم؟ خداوندا! مشکل من چیست؟" بعد فکر کردم: "من دیگر پیر شده ام. نمی توانم این کار را انجام دهم."

۱۳۲. موسی هم خسته بود. "همان خدایی که من او را خدمت می کنم." ^{۲۹} او یکصد و بیست سال سن داشت.

کالیب هم بود. در سن نود سالگی با شمشیری ایستاد و گفت: "یوشع چهل سال پیش این شمشیر را در دست من گذاشت." او در آن زمان هشتاد سال داشت و گفت: "اکنون به همان قوتی هستم که در آن زمان بودم." آمین!

گفتم: "خداوندا! بر من ترحم فرما."

۱۳۳. گفتم: "اینجا را ببین. من همیشه... همسرم را درحالی که کتاب مقدس در یک دستم بود در آغوش کشیدم و گفتم: "عزیزم! من خیلی منفی نگر بوده ام. روح القدس در درون من، مرا ملزم ساخته است." گفتم: "به آن سنجاب ها فکر می کنم. به هتی رایت ^{۳۰} و آن پسر ها فکر می کنم. به آنچه که خداوند انجام داد، فکر می کنم؛ که نشان می داد او خدای خالق است." هلولو یا!

فکر کردم: "سال ها پیش او به من گفته بود که هرگز تو را ترک نخواهم کرد. هیچ انسانی نمی تواند در تمام ایام عمرت در برابر تو بایستد. من با تو خواهم بود و از این طریق عطای تشخیص به تو داده خواهد شد که اسرار قلب ها را بدانی و بعد از آن، این

^{۲۹} اشاره به اعمال رسولان ۲۲:۲۷
^{۳۰} Hattie Wright

بزرگ‌تر و بزرگ‌تر خواهد شد. یک‌سال بعد از آن، به طریقی عالی این را به تمام دنیا اثبات کرد.^{۳۱}

گفتم: "عزیزم! به فیض خدا دست تو را می‌گیرم. هرگز اجازه نده که دوباره منفی‌نگر باشم. در این بیداری پیش روم و چنان موعظه کنم که قبلاً هرگز انجام ندادهم. تا ابتدا خود را تقدیس کنم و راهی برای قوم مهیا سازم. تا ابتدا گناهان من، سهل‌انگاری‌های من زیر پوشش خون مسیح باشد. کوتاه آمدن‌های خودم زیر پوشش خون باشد. تا بتوانم بیایم و بگویم، ای قوم، به دنبال من بیایید."

متنفرم از اینکه کسی بگوید این کار را بکن. دوست دارم کسی را ببینم که برای انجام آن، راه را نشان می‌دهد. بله آقا!

۱۳۴. مدتی پیش در شهر یک آتش سوزی داشتیم. کمپانی فا اوایل^{۳۱} طعمه‌ی حریق شده بود و یکی از دوستان ما، یک مرد خوب که هرگز با چنین حجمی از آتش مواجه نشده بود، می‌گفت: "بچه‌ها! یک مقدار آب اینجا پاشید. یک مقدار آنجا پاشید."

یک ماشین آتش‌نشانی با آن صدای دینگ، دینگ، دینگ آمد آنجا. مسئول آتش‌نشانیان رفت و گفت: "مقداری آب پاشید اینجا، این پنجره را بشکنید و مقداری آب هم پاشید آنجا."

۱۳۵. ولی یک آتش‌نشان ماهر و آزموده از آن سوی رودخانه، از لویزویل آمد و بالای نردبان رفت. وقتی نردبان بالا رفت، او نوک آن نردبان ایستاده بود. قبل از اینکه به آنجا برسد، تبر خود را برداشت، پنجره را شکست و گفت: "بچه‌ها! بیاید." همین است و آتش‌نشان طرف چند دقیقه مهار شد.

نه اینکه مقداری آب اینجا پاش، مقداری پاش آنجا. این بعضی از این واعظین روشنفکر را به یاد شما می‌آورد.

۱۳۶. همراه شوید، ادامه می‌دهیم. می‌دانم که این حقیقت است. من چشیده‌ام و دیده‌ام. روح‌القدس درست است. خدا نیکو است. اینجا و آنجا را امتحان نکنید. به سمت او حرکت کنیم و او اینجا است. از آن شماست. خدا تمامی قوت خود را بر کلیسای خویش داده است. نه اینکه مقداری اینجا پاشید و مقداری آنجا. این گونه به هیچ چیز نخواهد رسید. آمین!

به روش آنها حتی دیگر نمی‌توان دید. [برادر برانهام عینک مطالعه‌اش را از چشمش برمی‌دارد.]

۱۳۷. می‌خواهیم چه کاری انجام دهیم؟ هر فردی که اینجا است، با چیزی پر شده است. می‌خواهم مطلب را تمام کنم. شاید بعد از این، تمام کنیم.

شما با چیزی پر شده‌اید. نمی‌توانید آنجا بنشینید بدون اینکه از چیزی پر شده باشید. شما در خود حیات یافته‌اید. این حیات بر شما حکمرانی می‌کند و از طریق یک روح بر آن حیات حکمرانی می‌شود.

حال، ممکن است شما از دنیا پر شده باشید. محبت دنیا و چیزهای دنیایی در شما باشد. خدا به شما رحم کند.

ممکن است با اعتقادنامه‌های یک کلیسا پر شده باشید. دعاهایی که انجام می‌دهید و فکر می‌کنید که قرار است با نشانه‌ای از طریق شما برای مرده‌ای دعا شود. خدا به شما رحم کند.

۱۳۸. ممکن است با مذهب پر شده باشید، و این بدترین چیز است. درست است، کتاب مقدس می گوید: "در ایام آخر کسانی خواهند بود که صورت دینداری دارند، لیکن قوت آن را انکار می کنند، از ایشان اعراض نما." ^{۳۲}

اگر شما از مذهب پر شده اید. بدبخت هستید. فقط مذهب، همین و بس. اگر شما پر از آیین و اعتقادات هستید، نمی دانید که از چه صحبت می کنید. اگر از دنیا پر شده اید، پس کور هستید.

۱۳۹. و ممکن است که از روح القدس پر باشید. آمین! امیدوارم که باشید. اگر نیستید، امیدوارم که پر شوید. و اگر پر از روح القدس هستید، به چه رسیده اید؟ به قوت رسیده اید. به محبت رسیده اید. به آرامی رسیده اید. "آرامی به شما می دهم، نه آرامی که جهان به شما می بخشد." ^{۳۳} اگر به آرامی رسیده اید، مهر شده اید. شما یک نشانه یافته اید. آمین! شما به یک شادی وصف ناشدنی و پر از جلال دست یافته اید. شما بسته شده اید. اوه خدای من! این چیزی است که با روح القدس به آن می رسید. شما... اگر به روح القدس پر شده باشید از موت به حیات منتقل گشته اید و منتظر رستاخیز در ایام آخر هستید.

۱۴۰. در جهان آینده، به واسطه ی خداوندمان عیسی مسیح و آنکه آمدن او را در جلال و عظمت دیده... و دریا مردگان خود را تسلیم خواهد نمود. بدن فاسد شده ی آنانی که در او خوابیده اند...

چگونه در او وارد می شوید؟ به یک روح همه در یک بدن تعمید یافته ایم.

بدن فاسد شده ی کسانی که در او خوابیده اند، به یک چشم بر هم زدن به شباهت بدن جلال

یافته‌ی او تبدیل می‌شود، که بوسیله‌ی آن قادر است تمام چیزها را مطیع خود سازد.

این را یوحنا گفت: "صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: «بنویس خوشبحال آنان که در خداوند مرده‌اند.»" چگونه می‌خواهید داخل شوید؟ " زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم."^{۳۴} [برادر برانهام یک‌بار کف می‌زند.] "زیرا که از این پس از رنج خویش آرامی یافتند و اعمال آنها به دنبال ایشان است."

این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش فرستاده شد. اوه! یک اطمینان متبارک شده، عیسی از آن من است. "من در او هستم و او در من، پدر در او و او در پدر، و پدر در من و من در او."^{۳۵}

عیسی از آن من است

اوه! چه شکوهی از جلال الهی

من وارث نجاتم، خریده شده‌ی خدا

مولود روح او، شسته به خون او

آمین! نمی‌توانم این را معاوضه کنم. اوه خدای من!...

تمام الماس‌ها، مرواریدها و طلا و نقره‌های جهان

خزاین او لبریز است، او ثروتی ناگفتنی دارد

زیرا من یک فرزند پادشاهم، من فرزند پادشاهم

با عیسی منجی من، مرا فرزند پادشاه می‌سازد

۱۴۱. آمین و آمین! این را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. این را عوض نمی‌کنم. من دو یا

سه بخش دیگر...

این هم یک بخش دیگر از کلام. وقتی شما از روح پر هستید، این چیزی است که شما دارید. آن وقت برای دنیا چه هستید؟ یک بیگانه. می دانم که دیر است، ولی برای این هرگز خیلی دیر نیست. [برادر برانهام یک بار کف می زند.] یک بیگانه، او!

ما اینجا غریب و مسافریم

منتظر شهری که می آید، هستیم

قایق نجات می آید

تا جواهرات خویش را در منزل جمع کند

۱۴۲. هنوز هم می توانم صدای ریزش آب در رودخانه‌ی اوهایو^{۳۵} را به خاطر بیاورم. زمانی که یک واعظ جوان بودم، حدود بیست و یک یا بیست و دو ساله، این سرود را آنجا می خواندم. به بالای سر خود نگاه کردم و صدایی شنیدم که گفت: "به بالا نگاه کن." آنجا، آن نور عظیم بالای سر من شکل گرفت که رو به پایین حرکت می کرد و گفت: "چنان که یوحنا تعمید دهنده پیشرو آمدن اولیه‌ی مسیح بود. تو پیغامی خواهی داشت که پیشرو آمدن ثانویه‌ی مسیح خواهد بود."

او! چطور می توانستم آن را باور کنم؟ ولی این به همین شکل رخ داد. و امشب شعله‌های بیداری در سرتاسر جهان در حال اشتعال است. کلیسای فدیه شده‌ی خدا، خود را از آن مکان بالا کشیده و جلسات بزرگ شفا، آیات و معجزات، نشان دهنده‌ی این آمدن است.

۱۴۳. شما یک بیگانه و یک غریبه هستید. شما دست به اعمالی عجیب نسبت به آنچه که باید انجام دهید، می زنید. شما چنان که می بایست عمل نمی کنید. ای مردم! وقتی روح القدس بر شما می آید و شما از روح پر می شوید، از اعمال این دنیا صرف نظر می کنید. از چیزهایی که شما را به اسارت در می آورد، چشم پوشی می کنید. شما از آن

چشم پوشی می‌کنید. آن وقت نسبت به آنها مانند آن جوجه اردک زشت، عجیب و غریب رفتار می‌کنید. مانند همان جوجه عقابی که زیر یک مرغ سر از تخم در آورد. همان که من آن را موعظه کردم. «وقتی عقاب آشیانش را می‌تکاند.» شما در نظر آنها موجودی مضحک هستید.

ولی، اوه خدای من! شما قدم در پلکان پادشاه می‌گذارید. آمین! این یک بزرگراه به سمت آسمان است. و من به سمت شاهراه پادشاه گام برمی‌دارم.

می‌گویند: "به آن دین خروش نگاه کنید. آن جوجه اردک زشت. او همان واعظ دین خروش است."

۱۴۴. امروز در لویزیویل یک واعظ مشهور و متدیست به یک نفر می‌گفت: "دوست دارم به برادر بیلی کمک کنم. ولی می‌دانی باید خود را به خطر بیندازم." لازم نیست تا خود را به خاطر من به خطر بیندازید.

او بخاطر من جان خویش را به خطر انداخت. آمین! فقط در شاهراه پادشاه پیش بروید. همین و بس. پر شده از روح او، مولود روح او، شسته به خون او. هلولو! با شادی.

۱۴۵. و بعد یک چیز دیگر. چه چیز باعث می‌شود آن کار را انجام دهید؟ شما هنوز یک بشر هستید. ولی چه چیزی باعث می‌شود این کار را انجام دهید؟ بخاطر آنکه روح شما از بالا می‌آید. این خداست که در شماست.

۱۴۶. وقتی به رم رفته بودم، متوجه شدم که همه یک روح رومی دارند. وقتی به یونان رفتم، همه‌ی آنها روح یونانی داشتند. وقتی به انگلیس رفتم، همه‌ی آنها روح انگلیسی داشتند. وقتی به جایی می‌روید، متوجه می‌شوید که... و شما روح آمریکایی را می‌یابید. این مهیب و ترسناک است.

۱۴۷. وقتی به مقبره‌ی سن آنجلو^{۳۶} در رم رفته بودم آنها یک نوشته به این مضمون آنجا زده بودند: "لطفاً خانم‌های آمریکایی به احترام مردگان لباس بر تن کنند." روح آمریکایی.

وقتی از هواپیما خارج می‌شوند، آنها را نگاه کنید. با آن لباس‌های کوتاه که همه به آنها نگاه می‌کنند. و این هم دوشیزه‌ی آمریکاست. این روح آمریکایی است. می‌توانید بگویید که او اهل کجاست. پسر! یک سگ کوچولوی پشمالوی پودل را به دنبال خود می‌کشد. درست است؟ او به! او، او، او آمریکا است. دوشیزه‌ی آمریکا! راه می‌رود و آن‌گونه می‌خرامد. چرا؟ او روح آمریکایی را یافته است. [برادر برانهام شش بار بر روی منبر می‌زند.] ولی عیسی گفت که در آن روز بر علیه آن شهادت خواهد داد. او گفت: "شما از این جهان پایین هستید. من از آسمان هستم."

و اگر شما روح مسیح را در خود یافته‌اید، شما نیز از آسمان هستید. پس شما در اینجا غریب هستید.

۱۴۸. شما ذات و طبیعت جایی را می‌یابید که از آن آمده‌اید. این چیزی است که سعی می‌کنم بگویم. یک رومی می‌آید اینجا و سر خود را می‌تراشد. یک آلمانی به اینجا می‌آید. یک آمریکایی به آنجا می‌رود. چرا؟ شما روح کشوری را که از آن می‌آیید، یافته‌اید.

این چیزی است که ما را نسبت به دنیا متفاوت می‌سازد. شما از بالا هستید. شما متولد شده هستید. شما، شما شهروند یک پادشاهی و ملکوت دیگر هستید. آیا به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] این چیزی است که روح‌القدس است، تا شما را شهروند ملکوت خدا بسازد.

۱۴۹. پس اگر شما شهروند ملکوت خدا هستید، باعث می‌شود چگونه عمل کنید؟ همان‌طور که خدا در ملکوت عمل می‌کند. حال، خدا در ملکوت خویش چه می‌کند؟ این یعنی تقدس، عدالت، خلوص فکر و ذهن، قوت و محبت، رفتن به دنبال گمشدگان، شفای بیماران، انجام معجزات، انجام اعمال عظیم. آن‌وقت از نظر دنیا شما دیوانه بنظر می‌رسید. آنها می‌گویند: "آن افراد مغزشان معیوب است." می‌بینید؟ ولی شما شهروند ملکوت هستید.

۱۵۰. یک بخش دیگر از کلام. اگر می‌خواهید یادداشت کنید. یوحنا ۱۲:۲۴. بگذارید خیلی سریع این را برای شما بازگو کنم. عیسی گفت:

"آمین آمین به شما می‌گویم، اگر دانه‌ی گندم که در زمین می‌افتد نمیرد، تنها ماند، لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد."

حال نگاه کنید. یادتان باشد این برای شما واجب، لازم و ضروری است که روح‌القدس را بیابید. زیرا اگر نیابید، نمی‌توانید در رستاخیز سهمی داشته باشید. حال نگاه کنید. خدا نمی‌تواند قوانین خود را نادیده بگیرد. ما این را می‌دانیم. او قوانین خود را دنبال می‌کند.

۱۵۱. حال یک دانه‌ی گندم، یا ذرت را در نظر می‌گیریم، همان‌طور که عیسی در اینجا گفت. امروز داشتیم آن را می‌خواندم. البته در کتاب مقدس دانه به ذرت، گندم، جو، یا هر چیز دیگر اطلاق می‌شود. اینها دانه هستند. ولی وقتی یک دانه‌ی گندم به زمین افکنده می‌شود، همه‌ی ما که اینجا هستیم، دیده‌ایم؛ می‌دانیم که این اتفاق می‌افتد. یک دانه‌ی گندم یا خوشه‌ی گندم می‌تواند کامل به نظر برسد و شما آن را بر زمین می‌افکنید. اگر آن دانه...

اگر آن دانه حیات جاوید در خود داشته باشد، امروز پایین می‌رود و دوباره خود را در یک ساقه پدیدار می‌کند. دوباره رشد می‌کند، رشد می‌کند و... این حیات جاوید است.

اگر آن دانه منشاء حیات را در خود نداشته باشد، مهم نیست که چقدر زیبا به نظر برسد. دیگر هرگز بلند نخواهد شد. او در اعماق زمین فاسد خواهد شد. همین و بس. بخشی از آن، مواد آن، می‌تواند برای بارور ساختن زمین مورد استفاده قرار بگیرد. اما دوباره زندگی نخواهد کرد. مگر اینکه حیات جاوید را در خود یافته باشد. همه این را می‌دانند. قادر به انجام آن نیستند.

۱۵۲. دو انسان را در نظر بگیرید. هر دو می‌توانند دقیقاً به یکدیگر شبیه باشند. یکی از آنها می‌تواند انسان خوبی باشد که کارهای خوب می‌کند و همه چیزش خوب است. اما او هرگز در رستاخیز بلند نخواهد شد، مگر حیات ابدی را در خود داشته باشد. او نمی‌تواند این کار را انجام دهد. چون چیزی که برای برخاستن لازم است، در او نیست. چیزی نیست که او را بالا بیاورد. هیچ حیاتی آنجا نیست. پس برادر عزیز! می‌بینید؟ هیچ انسانی به جز اینکه تولد تازه داشته باشد، نمی‌تواند وارد این ملکوت بشود. نمی‌تواند. "آن دانه‌ی گندم که بر زمین می‌افتد می‌میرد و..." او داشت از خودش صحبت می‌کرد. اما او حیات داشت. حیات ابدی و حیاتی به شما داد که همان نوع حیات را داشته باشید.

۱۵۳. حال اگر فقط حیات بشری را یافته باشید، آن قدر که شما را به حرکت در بیاورد تا با شهوت زندگی کنید. او که در شهوت زیست می‌کند، هر چند که زنده باشد باز هم مرده است. شما نمی‌توانید برخیزید... ممکن است محبوب‌ترین دختر مدرسه یا دانشگاهتان باشید. ممکن است محبوب‌ترین دختر در جمع خود باشید. ممکن است خوش‌پوش‌ترین دختر در کشور باشید و حتی زیباترین باشید. ممکن است برای شوهر خود حکم بت را داشته باشید. ممکن است همه‌ی این چیزها باشید که بسیار عالی است. ولی خواهر! بجز داشتن روح‌القدس در خود، که حیات است، در پایان این راه کار شما تمام است.

اهمیت نمی‌دهم که شما چگونه هستید. اینها چگونه است، یا شما چقدر محبوب یا

منفور، چقدر زیبا یا چقدر زشت هستید. اگر حیات ابدی را یافته باشید، تا ابدالاباد زندگی خواهید کرد.

۱۵۴. وقتی که ماه و ستاره‌ها از بین رفته باشد. زمانی که جهان و کوه‌ها در هم پوشیده شده باشند و تمام جهان مانند مرد مستی که شب‌ها به خانه می‌آید، از نظم و تعادل خود خارج شود. ستارگان دیگر ندرخشند و از آسمان فروبریزند. ماه به خون مبدل شود و خورشید از شرم روی خود را پنهان کند. وقتی آمدن پسر انسان را ببینید. شما در عدالت عیسی مسیح خواهید درخشید و مانند روزگار جوانی خود از قبر بیرون می‌آیید. یک زن زیبا که همسر خود را برگیرد و تا ابدالاباد زندگی کند و در تمام اعصار ابدی حیات داشته باشید. این چیزی است که روح‌القدس بخاطرش فرستاده شد.

اگر کمترین کشتی احساس می‌کنید، آن را رد نکنید.

۱۵۵. روح‌القدس چیست؟ خدا در شما. برای چیست؟ برای ادامه‌ی کار او در میان قوم او، تا کلیسای او را جمع کند. تا کلیسا را در این دوران به جایی برساند. جلوتر و فراتر از لوتری، متدیست، پنطیکاست و آوردن به جایی که به فرزند خواندگی و فیض رבוده شدن برسد. این بخش از کلیسا، وقتی روح در بین این کلیسا حرکت می‌کند، خواهد برخاست. و تمام فدیة شدگانی که این روح را لمس نموده‌اند، پیش خواهد آورد.

تمام آن لوتری‌ها که با آن نور عادل شمردگی آنجا ایستاده بودند. تمام آن متدیست‌ها که بر زمین می‌افتادند و از تقدسی که روح به آنها بخشیده بود، آب بر صورتشان می‌ریختند. آن پنطیکاستی‌ها که در خیابان بالا و پایین می‌رفتند و آنها را «یاوه گو» می‌خوانند، در آن روز در مقابل خدا در عدالت خواهند ایستاد. درست به همان قطعیتی که کتاب مقدس در اینجا قرار دارد. اگر به خادم بودن من ایمان دارید... شما مرا نبی او می‌خوانید. ولی من خود را چنین نمی‌خوانم. ولی گوش کنید. در نام خداوند به شما

می‌گوییم؛ کسانی که در مسیح هستند، خدا آنها را در آمدنش با خود خواهد آورد، در رستخیز. تنها آنانی که در مسیح هستند.

دوستان! چگونه می‌توانیم در مسیح باشیم؟

۱۵۶. با یک اعتقادنامه در آن پیوند خورده‌ایم؟ خیر. از طریق دست دادن با یکدیگر وارد می‌شویم؟ خیر. همه‌ی ما با یک آب تعمید یافتیم؟ خیر. همه‌ی ما با یک فرقه در آن سازمان یافتیم؟ خیر.

بلکه با اول قرن‌های ۱۲:۱۳. «بلکه به یک روح» روح‌القدس، روح خدا. «جمع ما» همه‌ی ما، متدیست، باپتیست، لوتری، پرزپتری و... در نور گام برمی‌داریم، چنان‌که او نور است. با یکدیگر مشارکت داریم و خون عیسی مسیح، پسر خدا، ما را از تمام بی‌عدالتی‌ها پاک خواهد نمود. "به یک روح همه‌ی ما در یک بدن تعمید یافته‌ایم." و در آن فیض سهیم گشته‌ایم.

۱۵۷. شما نمی‌توانید در داوری بایستید. "هر که کلام مرا بشنود و... ایمان آورد." هیچ‌کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، مگر روح‌القدس را یافته باشد. "هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده‌ی من ایمان آورد." زمانی که روح‌القدس به قیام او شهادت داده است. "حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است.."^{۳۷} چه؟ هرگز داوری نخواهید شد. هرگز در برابر کرسی سفید داوری نخواهید ایستاد.

شما داوری خود را همین‌جا می‌بینید. وقتی شما می‌گویید: "من خوب نیستم. تعلیم من خوب نیست. خداوندا! بر من وارد شو. من را در بر بگیر و من را هدایت کن. اهمیتی نمی‌دهم که این دنیای دیوانه چه می‌گوید. خداوندا! به روح خود من را هدایت نما." از داوری خود عبور نموده‌اید. پس شما داوری شده‌اید و در عدالت او در آن روز، مانند او

در نامیرایی خواهیم ایستاد.

۱۵۸. فقط یک راه، چگونه؟ "به یک روح همه‌ی ما در آن بدن تعمیم یافته‌ایم." و زمانی که شما در آن بدن هستید، الحال آن بدن داوری شده و شما او را بعنوان استمالت گناهان خویش پذیرفته‌اید.

شما می‌گویید: "برادر برانهام! من آن کار را انجام داده‌ام."

پس اگر روح‌القدس برگشته و به شما مَهر را بعنوان نشانه داده است، آن روح شما را وارد بدن مسیح می‌کند. شما از راه‌های دیگر باز می‌گردید و یک خلقت جدید در مسیح عیسی هستید. شما از موت به حیات منتقل شده‌اید. چیزهای کهنه گذشته است و شما در مسیح تازه هستید. آمین!

۱۵۹. اوه، برادر و خواهر مسیحی من! شما را تشویق می‌کنم که نگذارید این بیداری از شما بگذرد. شما باید روح‌القدس را بیابید. این چیست؟ روح خدا. برای چیست؟ رهبری شما، هدایت شما، پر کردن و تقدیس نمودن شما و فراخواندن شما به کلیسا.

کلیسا چیست؟ عبارت «کلیسا» به چه معنی است؟ «جدا شدگان، فراخوانده شدگان». اوه! می‌توانم الان در مورد آن موعظه کنم. بیگانگان، جدا از دنیا، بیگانگان و مسافران و ابراز اینکه ما هیچ شهر زمینی نداریم که آرزوی زیستن در آن را داشته باشیم.

۱۶۰. مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب، آنها در چادر ساکن بودند و ابراز می‌داشتند که غریب و بیگانه هستند. ذریت وارث، وارث در آن زمان، پدر، وارث. ما ذریت ایشان هستیم و آنها در انتظار شهری بودند که سازنده و بناکننده‌ی آن خدا بود. آمین! آنها به دنبال آن بودند.

۱۶۱. و امروز نسل آنها هنوز به دنبال آن شهر است. نمی‌خواهم با این دنیا هماهنگ شوم.

نمی‌خواهم با این دنیا کاری داشته باشم. می‌خواهم شهری را بیابم که حیات ابدی را یافته است. جایی که که خورشید هرگز غروب نمی‌کند. جایی که دیگر پیری وجود نخواهد داشت. جایی که دیگر هرگز روبان مشکی رنگ بر دامنه‌ی دره‌ها و یا هیچ قبری در کنار کوه‌ها وجود ندارد. به دنبال شهری هستم که بناکننده و سازنده‌ی آن خداست.

۱۶۲. تنها یک راه برای یافتن آن وجود دارد. تنها یک سنگ بود که بدون هیچ دستی از کوه جدا شد، در جهان غلتید، با دنیا برخورد کرد و در برابر آن مانند کاه و پوشال شد، سنگ مسیح عیسی. یک سنگ غلتان برای دنیا، برای تمسخر، سنگ لغزش کلیسا؛ در عوض سنگی پربها، سنگ زاویه، سنگ اطمینان، سنگ آرامی و سنگ تضمین برای ایماندار.

در آرامی هستم. می‌دانم که از موت به حیات منتقل شده‌ام. جان من در آرامی است. "بیایید نزد من ای تمامی زحمت‌کشان و گران‌باران و من شما را آرامی خواهم داد." نشانه‌ای که باید از آن به بدی یاد شود. حتماً خواهد بود. نبی به مریم گفت که این یک نشانه خواهد بود، قطعاً. اما این یک تضمین خواهد بود، یک محبت و رضایت خواهد بود. این چیزی خواهد بود که شما متوجه می‌شوید از موت به حیات منتقل گشته‌اید.

۱۶۳. برادر من! خواهر من! بعنوان برادر شما، بعنوان خادم شما در مسیح، بگذارید تا با تمام قلب خویش شما را تشویق کنم. نگذارید که این از سر شما بگذرد. آن را در قلب خود بپذیرید و یک فرد شاد در جهان خواهید بود.

به شما وعده‌ی این را نمی‌دهم که میلیون‌ها دلار پول خواهید داشت. خیر آقا! برادر لئو!^{۳۸} فکر کنم دیگران تعداد بیشماری از این وعده‌ها را داده‌اند. "اگر مسیحی باشی به میلیون‌ها دلار پول دست پیدا می‌کنی و ثروتمند خواهی شد." من هیچ قولی به شما نمی‌دهم. من فقط این را به شما وعده می‌دهم.

این وعده را به شما می‌دهم، تنها چیزی که می‌توانم به شما وعده دهم، نجات است. فیض او برای هر آزمایشی کافی است. افراد پنطیکاستی، حتی آنچه را که داشتند را نمی‌خواستند. حال، از میلیونرها صحبت می‌کنند؟ خواهر آنجی!^{۳۹} آنها آنچه را که داشتند، نمی‌خواستند.

۱۶۴. دوست دارم یکی از این روزها بشنوم که شما و خواهر گرتی...^{۴۰} او کجاست؟ سرود «زمان بازگشت به وطن» را می‌خوانید. تا آن زمان خیلی از این افراد از آن مرز عبور نموده‌اند.

آنها طالب پول نبودند. چرا که پطرس گفت: "مرا طلا و نقره نیست، لیکن آنچه دارم، به تو می‌دهم."^{۴۱}

ای دوستان! و من امشب آن را می‌گویم. شادی، محبت و خوشی که من در مسیح و قیام او دارم، چنان که خود دارم، به شما تقدیم می‌کنم. بعنوان فرزندان خدا به شما پیشکش می‌کنم.

و اگر خدا شما را می‌خواند، بیاید و در کنار صلیب بمانید. وقتی فردا شب به اینجا می‌آیید، می‌خواهم برای شما دعا کنیم و بر شما دست بگذاریم. این فرمان کتاب مقدس است. برای روح‌القدس بر آنها دست بگذارید. و بعد ما می‌خواهیم... سپس شما به خانه‌ی خود می‌روید. شاید شما در طول تعطیلات آنجا بمانید، تا اولین روز سال و یا تا زمانی که...

۱۶۵. هر آنچه ما فردا شب خواهیم آموخت، این است که کتاب مقدس نشان می‌دهد. آنچه باید بیاید، خواهد آمد. و زمانی که بیاید، دیگر روح ناپاکی نیست که... می‌دانید که از موت به حیات منتقل شده‌اید. شما در مسیح عیسی یک خلقت جدید خواهید

^{۳۹} Angie
^{۴۰} Gertie
^{۴۱} اعمال رسولان ۶:۲

داشت. زنگ شادی در آسمان به صدا در خواهد آمد.

۱۶۶. برادر اوتال! ^{۴۲} به شما می‌گویم، که شما را شعله ور خواهد ساخت. اینجا یک نفر نشسته، یک برادر مسن که قبلاً یک گانگستر بوده. با سلاحی که به کمر می‌بسته و در هر گوشه دنبال کسی بوده که مغز او را متلاشی کند. و چه اتفاقی افتاده؟ یک روز چشمانش را باز کرد، به حیات ایمان آورد و در آن گام گذاشت. او جلسات من را دنبال کرد. آن آدم بیچاره که غذایی برای خوردن نداشت و شب‌ها گرسنه و تشنه، کنار چادر روی بوته‌ها می‌خوابید. یک روز روح‌القدس آمد. اوه برادر من! آن شما را تبدیل کرد. نکرد؟ حیات را آورد و موت را دور ساخت. تنفر رفت و محبت جای آن را گرفت. عداوت و ستیزه جویی دور شد و حیات جایگزین آن گشت.

بارها، بارها و بارها به اینجا نگاه کنید. اوه! زنگ شادی در آسمان نواخته می‌شود. به هیچ روشی نمی‌توانم آن را بازگو کنم.

۱۶۷. گوش کنید. اگر شما بعنوان خادم خدا، به شهادت من و چیزی که تلاش کرده‌ام درستی آن را از کتاب مقدس نشان دهم، ایمان دارید و اگر کلام من در این مورد اندکی عجیب به نظر می‌رسد، به تصویری که جهان علم از آن ارائه کرده، بنگرید. به میوه نگاه کنید، آن ستون آتشی که بنی اسرائیل را رهبری نمود. به میوه‌ای که ثمر می‌آورد، نگاه کنید. ببینید که چه می‌کند. ببینید که چه می‌گوید.

این من نیستم که صحبت می‌کنم. این اوست که از طریق شما سخن می‌گوید. می‌بینید؟ این من نیستم که رویا می‌بیند. این اوست که از طریق شما سخن می‌گوید. این من نیستم که بیماران را شفا می‌دهد. او که در شماسست بیماران را شفا می‌دهد. این من نیستم که موعظه می‌کنم. من حتی از فکر آن هم فراری هستم. من کلام را نمی‌دانم، ولی او

می‌داند. همین و بس. این چیزی است که هست.

و او اینجاست. همان فرشته‌ی خداوند امشب اینجا در ساختمان حضور دارد. [برادر برانهام بر روی منبر می‌زند]. اوه! چقدر او را دوست دارم.

۱۶۸. حال، چند نفر می‌خواهند که روح‌القدس را دریافت کنند؟ الگوهای زندگی خود را نگاه کنیم. چند نفر هنوز روح‌القدس را نیافته‌اند و می‌خواهند دست بلند کنند و بگویند: "برادر برانهام! از صمیم قلب می‌خواهم روح‌القدس را بیابم."؟ هر جا که هستید، خداوند شما را برکت بدهد.

۱۶۹. چند نفر از شما که روح‌القدس را یافته‌اید، می‌خواهید تا مانند شاگردان در باب ۴ اعمال رسولان باشید و بگویید: "اوه خداوندا! خداوندا! دست خود را به شفا بلند کن و در نام فرزند قدوس خود عیسی، آیات و معجزات را آشکار ساز و به من شهادت محبت و صحبت و پری تازه را عطا کن."؟ بله دست من هم بلند است. خدایا! این را به من عطا کن.

سرهای خود را با نهایت خلوص خود خم کنیم و هر یک خواست خود را در قلب خویش حفظ کنیم.

۱۷۰. خداوندا! این جلسه را بعد از مشارکت حول محور کلام و روح‌القدس به اتمام می‌رسانیم. چنان‌که او ما را مبارک ساخته و ما را به روغن کلام خویش تدهین نموده است. اینجا خادمینی هستند، مردانی که با زندگی خود شهادت می‌دهند که چشیده و دیده‌اند که خدا نیکوست. حال می‌دانیم که روح‌القدس چیست. وعده‌ی خدا. این حیات ابدی برای تمام کسانی است که ایمان بیاورند.

۱۷۱. و می‌دانیم که روح‌القدس، روح عیسی مسیح بود که باز فرستاده شد و امروز او در

ماست، چنان که خدا در آن ستون آتش بالای سر ما بود. او در یک جسم با ما راه رفت. با جسمی که عمانوییل یعنی «خدا با ما» خوانده شد و اکنون او توسط روح القدس در ماست، «خدا در ما». اوه!

عیسی گفت: "در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم، و شما در من هستید و من در شما هستم. در آن روز خواهید دانست، زیرا اکنون در دنیای تاریکی هستید، ولی در آن روز خواهید دانست."

۱۷۲. پدر! اگر این نمی‌توانست کامل و آشکار گردد، آن وقت دیگر چیزی برای ایمان نداشتیم. ولی تمام اعمال خدا با ایمان به کلام تو و با گواه روح القدس که می‌دانیم در این زمان حاضر است، کنترل می‌شود. می‌طلبم تا هر جان گرسنه‌ای در این مکان از روح القدس پر گردد. برای کسانی که گرسنه‌ی آن هستند و آن را ندارند. خداوندا! چنان که فرمودی: "خوشابحال شما گرسنگان و تشنگان زیرا سیراب خواهید شد." این یک وعده است. این گرسنگی یک برکت است. شما مبارک شده‌اید تا بدانید که خدا با شما سخن گفته است. زیرا گفت: "هیچ کس نزد من نمی‌آید، مگر آنکه پدر او را به من داده باشد."

۱۷۳. خداوندا! آنانی که در اینجا کهنه کار هستند، دست خود را بلند کرده‌اند، من هم دست خود را بلند کرده‌ام. او خداوندا! به ما قوت بده. به ما قوت بده تا دست فرزند قدوس تو عیسی بلند شود. تا آیات و معجزات انجام شود. تا یک خدمت عظیم باشد، عظیم‌تر از آنچه که تا بحال بوده است. به ما محبت و شهادت بده تا با قوم سخن بگوییم. این را عطا کن خداوندا! در همه چیز با ما باش. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

۱۷۴. و فردا شب... خداوندا! باشد تا آن نسیم قدرتمند این ساختمان را فراگیرد، تا مانند یک پنطیکاست دیگر باشد. بنیاد گذارده شده است. همه چیز مهیاست. گوساله‌های پروار

ذبح شده‌اند، برّه‌ها ذبح شده‌اند و میزها چیده شده است. میهمانان دعوت شده‌اند. اوه خداوند! فردا یک یوبیل از پنطیکاست را به این مکان بفرست و هر جایی را به تعمیم روح‌القدس پر ساز. عطاکن ای خداوند! این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

چیزهای زیادی خواهیم آموخت

چنگی خواهیم داشت از طلا

شاید با هزاران رشته

می‌خوانیم و می‌سراییم، در آن وجد می‌کنیم

برّه اشک ما را خشک خواهد نمود

ما وطنی نداریم، وطن ما، ما به وطن باز می‌گردیم

در اولین هزاره، آمین!

خون پریهای پسر خود خدا

ما را طاهر و تقدیس نموده است

یک قوم شگرف که در نام او عروس نامیده شده‌اند

هر چند که اینجا خوار و غافل

آن برگزیدگان در دروازه‌ها هستند، و این به همه چیز می‌ارزد

این هدف روح القدس است. دوباره این پدر است. خدا، پدر در شما ساکن می شود، نقشه خود را انجام می دهد تا آن نقشه‌ی انفکاک را به سرانجام برساند. از طریق شما کار می کند. شما را همکار خود می کند و یک جایگاه و مکان به شما می دهد. به شما سهمی از آنچه از دست دادید، می دهد. او روح و محبت خود را به شما می دهد، تا گمشدگان را صید کنید. چنان که او در باغ عدن انجام داد. "آدم، آدم کجا هستی؟" این کاری است که روح القدس با یک مرد و زن انجام می دهد، وقتی به قلبهای آنها وارد شده و در آنجا ساکن می شود. برای جانهای گمشده یک گرسنگی و تشنگی ایجاد می شود.

William Marrion Branham

What was the holy ghost given for

Jefersonville, Indiana

59-1217